

سال سیزدهم
شماره ۳۴۸۵
چهارشنبه
۲۸ عقرب ۱۳۹۹
۱۸ نومبر ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

صبح ۸

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

For every child,
a safe & secure learning space



WORLD CHILDREN'S DAY
20 NOVEMBER

ستا لور تاته څه وايي:



فاطمه خوشحال

د ملاپ لیسې د ۱۰ ټولګي زده کونکې، کندهار

نګرم، یوه وړه کیسه: یو وقت په یوه کلی کې یوې کورنۍ ژوند کاوه، په دې کورنۍ کې مور، پلار او یو زوی او یوه لور وه. دې پلار خپل زوی چې کله د ۷ کلونو سو، نو سمدلاسه یې په ښوونځي کې شامل کړ او هره ورځ به یې ښوونځي ته وور، خو سره له دې چې لورې یې تر زوی مشره وه، هغه یې ښوونځي ته نه پرېښوده، او ویل یې، د لور تعلیم معنی نلری. لور یې ډیره خپه وه، او زوریدله. نجلی پرېکړه وکړه تر څو خپل اواز د پلار تر غوږو ورسوي. یوه ورځ یې خپل پلارته داسې وویل:

کله چې زه یو ښه کار وکړم، نو تاسې ما تشویق کړی او د جایزې په ډول څه راکړی، خیر دی که د جایزه وړه هم نه وی خو کله چې اشتباه وکړم، نو مه مې ډبوی، په نرمه لهجه مې و پوهاوه. درس ویلو په خواکې د تفریح فرصت هم را کړه. د اشتباه کولو په وخت داسې نومونه چې ما زوروی مه را باندې ایږده، د بیلګې په ډول، ته کم عقل یی، ته په څه نه پوهیږی، په ځانګړی ډول د نورو په وړاندې، خو کله چې زه ځانته وم نو بیا زما اشتباه را په کوته کړه، او لارښودنه راته وکړه تر څو زه په راتلونکي کې ورته اشتباه تکرار

راشه راشه لاس می واخله زه ددې دور منصور یم پلاره ما هم مکتب ته بوزه، خیر خیر دی که دې لورې یم

د هر ماشوم لپاره، د زده کړې خوندي او امن فضا برای هر طفل، محیط مصون آموزشی

آینده تعلیمی تانرا چگونه انتظار دارید؟

بنده به عنوان یک طفل افغان به آینده تعلیمی خود فوق العاده امید وار بوده و انتظار واقع شدن یک فرد فوق العاده مفید و پرتلاش را در عرصه های مختلف جامعه از خود دارم، بنا براین خواهان یک سری امکانات آموزشی بهتر و مکان مناسب و اساتید مجرب برای مکاتب و سایر مراکز آموزشی نیز هستم. تا باشد دولت با سرمایه گذاری روی اطفال امروز یک نسل جوان پرتلاش، جنبش گر و فعال را برای فردای کشور به بار بیاورد.



رحیمه هاشمی

متعلم صنف دوازدهم مکتب چهاردار، ولایت دایکندي

تعلیم و تربیه جز از نیازهای جامعه است و اولین چیزی که برای یک دانش آموز مهم است ارامش روانی می باشد.

زهرة وکیلی، صنف هفتم، ولایت بامیان



د ماشومانو نړیواله ورځې ټولو ماشومانو ته مبارکي وایم

زه زینب یم د جلال اباد د ښار د بی بی هوا د ښوونځي زده کونکې زه لا تر اوسه یوازې د ۱۱ کالو یم، یانې ډیره وړه یم، خو پر لاره ښوونځي ته ډیره ډاریږم، ځکه چې په ښوونځي کې ځان امن نه بولم، بس یوازې دوی غوښتنې لرم. کیدای سی زموږ ښوونځي په امن کې وساتي، او بل دا چې کیدای سی د هغه ماشومان سره چې تر اوسه د ښوونځي د باندې دې مرسته وکړی چې ښوونځي ته لاس رسی پیدا کړی.

زینب، د بی بی هوا ښوونځي زده کونکې





مسأله‌ی افغانستان و پاکستان با سفرهای تشریفاتی حل نمی‌شود

طبق اعلام ارگ، عمران خان، نخست‌وزیر پاکستان، قرار است به دعوت رسمی محمدشرف غنی در هفته‌ی جاری به افغانستان سفر کند. بحث با مقامات افغان روی بهبود و گسترش روابط اقتصادی و سیاسی بین دو کشور و روند صلح افغانستان از اهداف عمده‌ی سفر خان به کابل عنوان شده است. این اولین سفر عمران خان از زمان به قدرت رسیدن او در سال ۱۳۹۷ به افغانستان است.

محمدشرف غنی دست‌کم سه‌بار از عمران خان برای سفر به افغانستان دعوت کرده است. غنی و عمران خان هم‌چنان دو بار از نزدیک با یکدیگر دیدار کرده‌اند. نخستین دیدار آن‌ها در ماه جوزای ۱۳۹۸ در حاشیه‌ی چهاردهمین اجلاس سران سازمان همکاری‌های اسلامی در شهر مکه‌ی عربستان سعودی انجام شد. یک‌ماه بعد (ششم سرطان ۱۳۹۸)، محمدشرف غنی به دعوت رسمی دولت پاکستان به اسلام‌آباد رفت و با رییس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیر خارجه‌ی این کشور دیدار کرد. محور بحث‌های غنی و خان در این دیدارها اتصال منطقهای، تجارت و ترانزیت، امنیت و صلح بوده است.

رییس‌جمهور غنی در نخستین تماس تلفنی که با خان پس از پیروزی او در انتخابات پارلمانی پاکستان داشت، در صفحه‌ی توئیترش نوشت که آن‌ها با یکدیگر توافق کرده‌اند که بر «گذشته غلبه کنند» و برای روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دو کشور «اساس تازه» بگذارند. او بعدتر در دیداری که با خان در مکه داشت، نسبت به امکان «تحول تاریخی» در روابط افغانستان و پاکستان ابراز خوش‌بینی کرد. نخستین دیدار آن‌ها از سوی زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی امریکا برای صلح افغانستان، برای صلح در منطقه و روابط دو کشور مهم توصیف شد.

غنی و خان دست‌کم چهار بار در جریان دو سال اخیر با یکدیگر گفت‌وگوئی تلفنی انجام داده‌اند. دو تماس تلفنی آن‌ها مربوط به پیروزی آن‌ها در انتخابات‌های دو کشور بوده است. یک تماس تلفنی آن‌ها پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان انجام شد که غنی طی آن تماس خواستار اعمال فشار پاکستان بر طالبان برای برگزاری این انتخابات در فضای امن، شده بود. تماس تلفنی اخیر غنی و خان در ماه میزان امسال پیش از سفر عبدالله عبدالله به پاکستان، با محوریت بحث روی همکاری‌های آن کشور در زمینه‌ی صلح افغانستان، صورت گرفت.

خان در مدتی که به نخست‌وزیری پاکستان رسیده است، دست‌کم دوبار اظهارات جنجالی در قبال افغانستان داشته است. البته این اظهارات او به زمانی تعلق داشت که هنوز انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان برگزار نشده بود و مذاکرات بین امریکا و طالبان در جریان بود. خان در حوت ۱۳۹۷ در حالی که حکومت وحدت ملی در افغانستان روی کار بود، گفته بود که قرار است در آینده نزدیک «حکومت جدیدی» در افغانستان تشکیل شود. به گفته‌ی او، این «حکومت جدید» از کل مردم افغانستان نماینده‌گی خواهد کرد. البته او سازوکار تشکیل این حکومت را روشن نکرده بود. بعدتر در ماه حمل ۱۳۹۸ حکومت وحدت ملی به ریاست محمدشرف غنی را مانع اصلی در برابر روند صلح افغانستان توصیف کرد. خان گفته بود که به نظر او، راه‌حل احتمالی برای عبور از این مانع، تشکیل «حکومت موقت» و سپس برگزاری انتخابات در این کشور است. این اظهارات نخست‌وزیر پاکستان، با واکنش‌های منفی در داخل افغانستان روبه‌رو شد. او در پی این واکنش‌ها، تصریح کرد که قصد دخالت در امور افغانستان را ندارد و این حرف‌ها صرفاً «مشوره‌ی برادرانه» بود که در آینده از دادن چنین مشوره‌ای پرهیز خواهد کرد.

از جانب دیگر، با وجود این تماس‌ها و دیدارها، روابط دو کشور تاکنون با نوعی از سوء تفاهم و بدبینی توأم با اتهام متقابل، همراه بوده است. همین دیروز، اسدالله خالد، نامزدوزیر دفاع ملی، هنگام آرایه‌ی برنامه‌هایش در مجلس نماینده‌گان، اعلام کرد که پاکستان هنوز هم پناه‌گاه امن طالبان است و حمایت‌های این کشور از جنگ این گروه قطع نشده است. پیش از آن مقامات نظامی پاکستان، ادعا کرده بودند که شبه‌نظامیان مخالف دولت این کشور در خاک افغانستان به سر می‌برند و علیه مواضع نیروها و تأسیسات دولتی پاکستان از خاک افغانستان دست به حمله می‌زنند.

در کنار این اتهامات، سران افغانستان و پاکستان از مخالفان سیاسی یکدیگر نیز حمایت کرده‌اند. باری محمدشرف غنی از اعتراضات «جنبش تحفظ پشتون‌ها» در پاکستان اعلام حمایت کرد که با واکنش تند سران آن کشور روبه‌رو شد. به همین شکل، پاکستان اخیراً باب گفت‌وگو را با احزاب و چهره‌های سیاسی افغانستان که اغلب منتقد حکومت هستند، باز کرده است. گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی و لطیف پدram، رهبر حزب کنگره‌ی ملی از چهره‌هایی هستند که در صف مخالفان سیاسی حکومت کنونی قرار دارند و اخیراً مهمان پاکستانی‌ها بوده‌اند. اکنون بیم آن می‌رود که پاکستان با برقراری رابطه با این چهره‌ها و احزاب سیاسی افغانستان، مسیر مذاکرات صلح را طوری تغییر بدهد که نقش حکومت مرکزی افغانستان در آن کاملاً صفر شود.

البته آن‌چه پاکستان از مذاکرات صلح انتظار دارد را عمران خان در ماه جاری (عقرب) در مصاحبه با مجله‌ی اشپیکل مطرح کرده است. او در این مصاحبه گفت که منافع پاکستان در افغانستان آن است که دولت آینده کابل به هند اجازه حمله علیه خاک پاکستان را ندهد. خان تأکید کرد که پاکستان غیر از این، دیگر هیچ ترجیحی در افغانستان ندارد.

خان با چنین نگاه و روی‌کردی، قرار است به افغانستان سفر و با غنی دیدار کند. با توجه به این که حکومت کنونی افغانستان با تشکیل حکومت موقت، قطع و یا تحدید روابط چندجانبه‌اش با هند و عدم همکاری با پشتون‌های آن سوی خط دیورند مخالف بوده است، بعید است که سفر خان تغییری در مناسبات دو کشور بیاورد. کما این‌که سه‌بار سفر غنی به اسلام‌آباد از سال ۲۰۱۴ تاکنون نیز نتوانسته است باعث تغییر در مناسبات دو کشور شود. فضای بی‌اعتمادی بین این دو کشور همسایه به دلایل مشکلات مرزی و تنش تاریخی بین آن‌ها، آن قدر عمیق و پیچیده است که سخت است در پی این سفرها رفع شود. با این وجود، ادامه‌ی این رفت‌وآمدها و استمرار گفت‌وگوها بین دو کشور، کمک خواهد کرد تا کمی از میزان بی‌اعتمادی‌ها کاسته شود و خصومت سیاسی دو کشور به نفع همکاری‌های اقتصادی و روابط آینده‌محور بین آن‌ها در درازمدت تغییر کند. بنابراین، این سه هدف اشرف غنی (غلبه بر گذشته، گذاشتن اساس تازه و تحول تاریخی در روابط دو کشور) در کوتاه‌مدت برآورده نخواهد شد.

اسدالله خالد: مطمئن نیستیم که مذاکرات صلح به نتیجه‌ای برسد



۸صبح، کابل: سرپرست وزارت دفاع ملی می‌گوید، اطمینان ندارد که مذاکرات دوحه به نتیجه‌ای برسد.

اسدالله خالد که روز سه‌شنبه، بیست‌وهفتم عقرب برنامه‌های کاری خود را به عنوان نامزدوزیر وزارت دفاع ملی به مجلس نماینده‌گان ارائه می‌کرد، گفت هیچ اراده‌ای در نزد طالبان برای «صلح و کاهش خشونت» دیده نمی‌شود. سرپرست وزارت دفاع ملی گفت که مطمئن نیست که مذاکرات صلح به نتیجه برسد. او اما تأکید کرد که این اظهارات او به معنای مخالفت با صلح نیست؛ زیرا تنها نیروی منظم که می‌تواند از پایداری صلح حفاظت کند، ارتش است.

خالد تأکید کرد که هیچ نشانه‌ای برای صلح در نزد حامیان بین‌المللی و منطقه‌ای طالبان نیز دیده نشده است.

به گفته او، هنوز مراکز آموزش و حمایت از گروه طالبان در کوئته، میرانشاه، کراچی و لاهور پاکستان فعال است و زخمیان این گروه در این مراکز درمان می‌شوند.

خالد از جانب دیگر تأکید کرد که «مزاحمت‌ها و محدودیت» مذاکرات قطر در جریان سال گذشته، سبب شد که نیروهای ارتش با دست

باز عمل نتواند.

او از بازپس‌گیری نه ولسوالی و رهایی صد‌ها زندانی طالبان به عنوان دست‌آوردهای نیروهای امنیتی در جریان سال گذشته یاد کرد.

اسدالله خالد گفت که طالبان برنامه داشتند تا چند ولایت را سقوط بدهند که از آن جلوگیری شد.

خالد با اشاره به گزارش‌ها درباره خروج نیروهای امریکایی از کشور افزود که همه این نیروها از افغانستان خارج نمی‌شوند.

به گفته خالد، احتمال این که شمار نیروهای خارجی کاهش و یا افزایش یابد، وجود دارد.

سرپرست وزارت دفاع ملی با بیان این که ۹۶ درصد عملیات نظامی توسط نیروهای امنیتی رهبری و مدیریت می‌شود، گفت که ارتش آماده دفاع مستقلانه از کشور است.

خالد می‌گوید که نیروهای امنیتی حدود ۶۰ درصد خاک کشور را تحت پوشش پهبادی قرار داده و کنترل می‌کنند.

او هم‌چنان گفت که تجهیزات و وسایل ارتش عصری می‌شود. به گفته خالد، هواپیماهای روسی ارتش جایش را به هواپیماهای امریکایی می‌دهد و تعهد وجود دارد که این هواپیماها تا سال ۲۰۲۴ به ارتش کمک شود.

موزیم بریتانیا ۱۱ اثر باستانی قاچاق شده‌ی افغانستان را تحویل داد



۸صبح، کابل: موزیم بریتانیا ۱۱ اثر باستانی را به سفارت افغانستان در لندن سپرده است.

طبق اعلام سفارت افغانستان در لندن، این آثار از سوی پولیس مرزی بریتانیا ضبط شده بود و متعلق به افغانستان است.

سفارت افغانستان در بریتانیا گفته است که ۱۱ اثری را که تحویل گرفته است، برای مدتی در موزیم بریتانیا به نمایش گذاشته خواهد شد و سپس دوباره به افغانستان منتقل می‌شود. گفتنی است که سفارت افغانستان در بریتانیا سال گذشته نیز اعلام کرده بود که مجسمه معبد سرخ کوتل، شاهکار باستانی کشور، از بریتانیا باز گردانده می‌شود. این مجسمه جز ۱۱ اثری است که سفارت افغانستان تحویل گرفته است. مجسمه معبد سرخ کوتل که حدود ۳۰ سال قبل از کابل سرقت شده بود، در بریتانیا پیدا شده است. این مجسمه حکاکی شده دو گاو به رنگ زرد روشن، مربوط قرن دوم میلادی است. این اثر ارزشمند تاریخی در دهه ۱۹۵۰ از منطقه سرخ کوتل در بغلان کشف شده است. طبق برخی تحقیقات این مجسمه مربوط دوره کوشانی‌ها بوده است.

دبیر کل ناتو:

حتا با کاهش سربازان امریکایی به مأموریت ما در افغانستان ادامه می‌دهیم



۸صبح، کابل: پس از نشر گزارش‌ها درباره احتمال خروج زودهنگام بخشی از نیروهای امریکایی از افغانستان به دستور رییس‌جمهور این کشور، دبیر کل ناتو اعلام کرد که هر نوع خروج شتاب‌زده هزینه سنگین را در پی خواهد داشت.

ینس استولتنبرگ، دبیر کل سازمان پیمان اتلانتیک شمالی یا ناتو روز سه‌شنبه، بیست‌وهفتم عقرب با نشر بیانیه‌ای گفته است که حتا با کاهش شمار سربازان امریکایی، ناتو به مأموریت خود برای آموزش، مشورت و کمک به نیروهای امنیتی افغانستان ادامه خواهد داد. به گفته او، ناتو متعهد است که بودجه نیروهای امنیتی افغانستان را تا سال ۲۰۲۴ میلادی تمویل کند.

امریکا عضو کلیدی ناتو است. رسانه‌ها گزارش داده‌اند که قرار است شمار سربازان امریکایی از پنج هزار تن به دو هزار و ۵۰۰ تن کاهش یابد. انتظار می‌رود که دستور خروج این شمار از سربازان امریکایی به زودی از سوی دونالد ترامپ، رییس‌جمهور امریکا صادر شود.

با این حال، دبیر کل ناتو گفته است: «ما اکنون با یک تصمیم دشوار روبه‌رو هستیم. تقریباً ۲۰ سال است که در افغانستان حضور داریم و هیچ عضو ناتو نمی‌خواهد بیش از زمان لازم بماند، اما در عین حال هزینه ترک زودهنگام یا به طریق غیرم‌آهنگ می‌تواند بسیار گزاف باشد.»

به باور ینس استولتنبرگ، افغانستان هنوز هم می‌تواند به مکان امنی برای تروریستان بین‌المللی بدل و از خاک این کشور علیه کشورهای عضو ناتو استفاده شود. او تأکید کرده است که داعش تلاش خواهد کرد تا خلافت از دست رفته خود را در سوریه و عراق، در افغانستان بازسازی کند.

با این حال، دبیر کل ناتو تأکید کرده است که همه اعضای ناتو یک‌جا به افغانستان رفتند و یک‌جا نیز ترک می‌کنند.

ناتو حدود ۱۲ هزار نیرو در افغانستان دارد. بیش‌تر این نیروها متعلق به امریکا است.

خروج سربازان امریکایی از افغانستان که بخشی از تعهد این کشور در توافق‌نامه دوحه است، در کابل نیز واکنش‌هایی در پی داشته است. اسدالله خالد، سرپرست وزارت دفاع ملی و صدیق صدیقی، سخنگوی ریاست‌جمهوری با اشاره به گزارش خروج زودهنگام نیروهای امریکایی از توانایی نیروهای امنیتی افغانستان یاد کرده‌اند.

خالد گفته است که احتمال کاهش و افزایش نیروهای امریکایی وجود دارد، اما خروج کامل صورت نمی‌گیرد. سخنگوی ریاست‌جمهوری نیز گفته است که همکاری افغانستان با متحدانش ادامه خواهد یافت.

انفجار موتوربمب در ولسوالی قیصار فاریاب اموال ۱۰۰ دکان‌دار را نابود کرد

نیروهای امنیتی ساعت ۹:۳۰ دوشنبه‌شب حمله طالبان را عقب زدند و تلفات سنگین به این گروه در ولسوالی قیصار وارد شده بود. سخنگوی پولیس فاریاب گفت که حمله موتوربمب طالبان نیم ساعت پس از شکست طالبان در قیصار صورت گرفت. گروه طالبان در این باره چیزی نگفته است. فاریاب در شمال در روزهای اخیر شاهد جنگ‌های شدید بوده است. پیش از این، طالبان با موتور بمب‌گذاری شده است به ولسوالی المار فاریاب حمله کرده بودند. در این حمله چهار سرباز پولیس کشته شدند.

۸صبح، کابل: پولیس فاریاب می‌گوید که در پی انفجار موتور بمب‌گذاری شده طالبان در مرکز ولسوالی قیصار این ولایت خسارت هنگفت مالی به مردم وارد شده است.



عبدالکریم یورش، سخنگوی پولیس فاریاب، روز سه‌شنبه، بیست‌وهفتم عقرب، به روزنامه ۸صبح گفت که گروه طالبان ساعت ۱۰:۰۰ شب گذشته موتور بمب‌گذاری شده را در درون بازار در مرکز ولسوالی قیصار انفجار داده است. یورش گفت که در این حمله به کسی آسیب جانی نرسیده است، اما اموال بیش از ۱۰۰ دکان‌دار نابود شده است.



عبدالاحمد حسینی

روند ارایه برنامه‌های نامزدوزیران به مجلس برای کسب رای اعتماد، روز سه‌شنبه، بیست‌وهفتم عقرب، ادامه یافت. در روز دوم این روند، نامزدان وزارت‌های دفاع ملی، تحصیلات عالی و عدلیه در نشست عمومی مجلس حضور یافتند.

در این روز، اسدالله خالد، نامزد وزارت دفاع ملی، برنامه‌های کاری‌اش را در سه بخش «اصلاحی»، «تعلیم و تربیت» و «تجهیز نیروها» به مجلس نماینده‌گان ارایه کرد. وی بر اصلاح سیستم در وزارت دفاع ملی تاکید کرد و گفت که برای محو فساد و جلوگیری از نیروی خیالی در صفوف اردوی ملی، سیستم وزارت دفاع را دیجیتالی کرده و هم‌چنان تغییر و تبدیلی افسران براساس یک نظم استوار شده است. در ضمن وی به ایجاد قطعه‌ی «رینجر» در قول‌اردها اشاره کرد و گفت که این قطعه پس از این به شکل کماندوها تربیت و تجهیز می‌شود و می‌تواند عملیات پیچیده را در زون‌ها انجام دهد.

عباس بصیر، نامزد وزارت تحصیلات عالی، در مورد دست‌آوردها و برنامه‌های آینده‌اش به مجلس معلومات داد. او هرچند از دست‌آوردهای این وزارت ابراز خرسندی کرد، اما آن را بسنده ندانست؛ زیرا به گفته‌ی وی، کیفیت تحصیلات عالی در کشور پایین است و باید نصاب تحصیلی برای بلند بردن کیفیت، بازنگری شود. او تصریح کرد که روی سیستم تحصیلی کشور باید سرمایه‌گذاری شده و نهادهای تحصیلی خصوصی نیز حمایت شود.

فضل‌احمد معنوی، نامزد وزارت عدلیه، نیز برنامه‌هایش را به مجلس ارایه کرد. او گفت که سیستم قانون‌گذاری به گونه‌ی کلاسیک و قدیمی است و باید به‌روز شود. آقای معنوی بر ایجاد اداره حقوق تاکید کرد تا بخش بزرگ مشکلات مردم از طریق میانجی‌گری حل شده و به ترتیب کار محاکم کم‌تر شود.

ارایه برنامه‌های نامزدوزیران به مجلس اما با بی‌نظمی برخی از نماینده‌گان همراه بود. بارها سخن‌های نامزدوزیران توسط اعضای مجلس قطع می‌شد، اما رییس مجلس، این نماینده‌گان را به رعایت نظم و اصول دعوت می‌کرد.

قرار است فردا چهار نامزدوزیر دیگر برنامه‌های‌شان را به مجلس ارایه کنند و در ادامه، اعضای مجلس در مورد گذاشتن صندوق رای برای ۱۰ نامزدوزیر تصمیم خواهند گرفت.

خالد: قطعات جدید زیر نام «رنجر» در چوکات قول اردو ایجاد می‌شوند

اسدالله خالد، نامزدوزیر وزارت دفاع ملی، هنگام ارایه برنامه‌هایش به مجلس نماینده‌گان به کارکردهای اردو در چند سال گذشته اشاره کرد. او گفت که در یک‌ونیم

نامزدوزیران در مجلس؛

تعهد به تجهیز ارتش، بهبود کیفیت تحصیلات عالی و نوآوری در وضع قانون

معنوی: اداره حقوق باید فعال شود

فضل‌احمد معنوی، نامزدوزیر وزارت عدلیه، نیز روز سه‌شنبه برنامه‌هایش را به اعضای مجلس ارایه کرد. او گفت که وزارت عدلیه برای اشخاص بی‌بضاعت در موضوعات جزایی و برای زنان و کودکان در مسایل مدنی وکیل مدافع تعیین می‌کند تا محاکمه‌ی عادلانه برای‌شان تحقق یابد. به گفته‌ی او، از آن جایی که این وزارت مسوولیت حقوقی دارد، آگاهان را برای آگاهی‌دهی مردم به سراسر کشور می‌فرستد. نامزدوزیر وزارت عدلیه هم‌چنان گفت که این وزارت اسناد، مقررات و لوائح را ترجمه و به مجلس ارایه می‌کند. با این‌همه، وی بیان داشت که هنوز هم روند قانون‌گذاری در وزارت عدلیه به شکل قدیمی است و نیاز به نوآوری دارد. به گفته‌ی آقای معنوی، مردم و نخبه‌گان باید در جریان طرح قوانین قرار گیرند و قانون‌گذاری به‌روز شود. او افزود که قانون باید موضوعاتی را احتوا کند که مورد اعتماد شهروندان و نهادهای بین‌المللی و عام‌فهم باشد.

از سویی هم، نامزدوزیر وزارت عدلیه تصریح کرد که اداره حقوق این وزارت باید فعال شود. آقای معنوی بیان کرد، در صورتی که این بخش فعال شود، کار در محاکم کم‌تر می‌شود. او گفت: «ریاست حقوق در واقع یک معبر به طرف محاکم است. هر قضیه حقوقی و مدنی که مطرح می‌شود، ابتدا در این اداره راجع و از طریق مصالحه حل‌وفصل شود».

فضل‌احمد معنوی در مجلس گفت که برنامه دارد تا یک تلویزیون برای آگاهی‌دهی حقوقی در همکاری با نهادهای عدلی و قضایی ایجاد کند. او تصریح کرد که کشور از موضوع قاچاق انسان و مهاجرت رنج می‌برد و پدیده «بچه‌بازی» جزو این کار است. آقای معنوی گفت که برنامه دارد تا بساط این پدیده «شرم‌آور» را برچیند و از اعضای مجلس نیز می‌خواهد تا در این راستا وزارت عدلیه را همکاری کنند.

گفتنی است که پروسه رای اعتماد به نامزدوزیران پس از یک ماه تأخیر آغاز شد. تاکنون نامزدوزیران وزارت‌های دفاع، داخله، خارجه، مالیه، تحصیلات عالی و عدلیه به مجلس فرا خوانده شده‌اند. قرار است روز چهارشنبه، بیست‌وهفتم عقرب، نامزدوزیران وزارت‌های کار و امور اجتماعی، صنعت و تجارت، حج و اوقاف و تکنولوژی معلوماتی برنامه‌های‌شان را ارایه کنند و احتمال دارد که برای این ۱۰ نامزدوزیر روز پنج‌شنبه صندوق رای گذاشته شود.

آقای خالد هم‌چنان به تجهیز نیروهای هوایی کشور اشاره کرد و گفت که قرار است تا سال ۲۰۲۴ تعدادی هلیکوپتر جدید در اختیار این نیروها قرار گیرد. افزون بر این، اسدالله خالد بیان کرد که در سال آینده به تامین امنیت شاهراه‌ها و هم‌چنان خشکاندن منابع عایداتی طالبان بیش‌تر توجه و منابع آن‌ها قطع می‌شود.

بصیر: نیاز است برای کیفیت تحصیلات عالی تلاش شود

عباس بصیر، نامزدوزیر وزارت تحصیلات عالی، با ارایه برنامه‌هایش در سه محور «دسترسی به تحصیلات عالی»، «سرمایه‌گذاری» و «توسعه تحصیلات عالی» گفت که این وزارت در سال‌های گذشته در بخش گسترش دانشگاه‌ها و آغاز برنامه‌های ماستری و دکترا دست‌آوردهای خوبی داشته، اما این دست‌آوردها بسنده نبوده است. او در بخش دسترسی به تحصیلات عالی گفت که براساس قانون حق دسترس به تحصیلات، تحصیلات عالی حق هر افغان است. به گفته‌ی او، هرچند در سال‌های گذشته در زمینه جذب دانشجو و ایجاد دانشگاه بعضی کارها صورت گرفته، اما این کارها موثر و کافی نبوده است. آقای بصیر افزود که باید دسترسی دانشجویان به رشته‌هایی که متناسب بازار است، بیش‌تر شود. او گفت که در صورت گرفتن رای تایید اعضای مجلس، برای این کار رشته‌های دانشگاه‌ها را افزایش می‌دهد و زمینه تحصیل برای دانشجویان را از طریق بورس‌های تحصیلی در بیرون از کشور فراهم می‌کند.

از جانب دیگر عباس بصیر به کیفیت پایین تحصیلات عالی در کشور اشاره کرد و گفت که در این بخش بعضی شکایت‌ها وجود دارد. او گفت که تنها دسترسی به تحصیلات عالی بسنده نیست، بلکه باید روی کیفیت نیز کار شود. به گفته‌ی او، اگر کیفیت بهبود پیدا نکند، احتمال دارد که وزارت تحصیلات عالی استعدادها را از دست بدهد. با این حال، وی تاکید کرد که دانشجویان نباید به دلیل کیفیت پایین تحصیلات، به کشورهای همسایه مراجعه کنند.

آقای بصیر هم‌چنان اذعان کرد که اسناد تقنینی، لوائح و مقررات تحصیلات عالی پاسخگوی نیازهای کنونی نیست و حتا در برخی موارد مانع اصلی رشد، تحول و پویایی در کشور شده است که باید این اسناد بازنگری شود. هم‌چنان وی خاطر نشان کرد که شیوه آموزش کهنه است و باید به‌روز شود.

سال گذشته نیروهای امنیتی و دفاعی کشور در خط مقدم نبرد بوده و با گروه‌های تروریستی جنگیده‌اند. او پیرامون ناهم‌آهنگی میان مسوولان وزارت دفاع ملی و محدود شدن صلاحیت‌های‌شان گفت، در درون این وزارت تیم کاری خوبی وجود دارد که با هم‌دیگر هم‌آهنگ و یک‌جای کار می‌کنند. آقای خالد افزود که کار تیمی در واقع مداخله در کار دیگران نیست و صلاحیت این وزارت نیز صلب نشده است.

اسدالله خالد برنامه‌هایش را در محورهای «اصلاح نظم اداره»، «تعلیم و تربیت اردو» و «تجهیز اردو و موارد کشفی» به مجلس نماینده‌گان ارایه کرد. او گفت که سیستم این وزارت از سال‌ها به این سو به شکل کاغذی بود، اما اکنون این سیستم دیجیتالی شده و همه‌ی راه‌های فساد، از جمله وجود عسکر خیالی و معاش خیالی مسدود شده است. به گفته‌ی آقای خالد، مشکلات ترفیع، تغییر و تبدیل افسران و منسوبان اردو نیز حل شده است و با ایجاد این سیستم، افسران، سربازان و منسوبان اردو به شکل قانونی ترفیع می‌گیرند و تغییر و تبدیل می‌شوند.

به گفته‌ی آقای خالد، برای سربازان یک مرکز آموزشی به نام «KMTC» وجود دارد که سربازان و بریدملان در آن تربیت می‌شوند. براساس آمارهای ارایه شده، هفت هزار و ۲۶۷ سرباز و یک هزار و ۸۰۹ بریدمل در سال گذشته از این مرکز فارغ شده‌اند. وی افزود که در قول‌اردها نیز مراکز آموزشی وجود دارند که سربازان و بریدملان را آموزش می‌دهند. به گفته‌ی اسدالله خالد، بخش کشف و استخبارات وزارت دفاع ملی انکشاف یافته است.

از سویی هم، نامزد وزارت دفاع ملی تصریح می‌کند که ۶۰ درصد جغرافیای کشور توسط «کمره‌های ذرون» نظارت می‌شود و تلاش‌ها جریان دارد که تا یک سال دیگر، این رقم به ۱۰۰ درصد برسد و تمام خاک کشور تحت نظارت کشف و استخبارات این نهاد قرار گیرد.

نامزدوزیر وزارت دفاع ملی هم‌چنان از ایجاد یک قطعه جدید زیر نام «رنجر» خبر داد و گفت که این قطعه در تمام قول‌اردها ایجاد می‌شود. وی افزود که این قطعه مجهزتر و باظرفیت‌تر از نیروهای فعلی اردو است و سربازان آن از تعلیم و تربیت بالاتر برخوردار اند. آقای خالد هدف از ایجاد این قطعه را دست‌یافتن به توانایی حملات پیچیده به جای کماندوها عنوان کرد. گفتنی است که کماندوها پیچیده‌ترین عملیات را انجام می‌دهند.

زمستان سخت و نگرانی از «فاجعه انسانی» در غور

خواهند کرد.

براساس معلومات وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث، رژیم برف‌باری به دلیل تغییرات اقلیمی، دچار دگرگونی شده و نسبت به سال‌های گذشته، یک ماه زودتر آغاز شده است. این امر سبب نگرانی از بروز حوادث طبیعی، بسته شدن راه‌ها، سرازیر شدن سیلاب، وقوع زلزله و لغزش کوه و برف‌کوچ شده است.

ولایت کوهستانی و سردسیر غور در غرب کشور، از جمله ولایاتی است که همه‌ساله در فصل سرما، به دنبال برف‌باری سنگین، در بخش‌های گوناگون آن مسیرهای مواصلاتی به روی رفت‌وآمد وسایل نقلیه روزها و هفته‌ها مسدود می‌شود.

بخش بزرگی از مواد خوراکی، مواد سوخت، ضروریات اساسی و اجناس مصرفی غور، از هرات وارد این ولایت می‌شود. دشوارگذر بودن مسیر بزرگراه هرات - غور سبب افزایش بهای مواد اساسی در این ولایت می‌شود.

هم‌زمان با نزدیک شدن فصل سرما و بارش برف، مقام‌های حکومتی و ساکنان غور از بروز «فاجعه بزرگ انسانی» بیم دارند و از هم اکنون هشدار می‌دهند که برای جلوگیری از خسارت‌های احتمالی، باید اقدام فوری شود. نگرانی اصلی آنان از بسته بودن مسیر اصلی بزرگراه غور - هرات به دنبال تخریب پل «کمینج» است. این پل در بهار سال روان خورشیدی از سوی طالبان تخریب و پس از آن مسیر اصلی غور - هرات مسدود شد.

حسن حکیمی، از فعالان مدنی غور، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که از زمان تخریب پل تاکنون دست‌کم



محمد حسین نجخواه

هم‌زمان با آغاز فصل سرما و احتمال «برف‌باری سنگین» در ولایت غور، مقام‌های محلی و فعالان مدنی این ولایت از وقوع «فاجعه انسانی» نگران هستند. اداره محلی غور می‌پذیرد که بسته شدن مسیر اصلی بزرگراه هرات

- غور به دلیل تخریب پل «کمینج» و تهدیدهای طالبان، احتمال دارد در فصل سرما سبب قطع ارتباط این ولایت با هرات شود. ریاست فواید عامه غور نیز می‌گوید که به دلیل مسدود بودن راه اصلی غور - هرات، برای پاک‌کاری مسیر «کوتل غوک»، راه دیگری که غور را به هرات وصل می‌کند، از ماشین‌آلات سنگین‌وزن کار گرفته نمی‌شود و به دلیل دشوارگذر بودن مسیر، این راه مواصلاتی هنگام برف‌باری‌ها مسدود خواهد شد.

کنش‌گران مدنی غور هم تاکید دارند که از بهار سال روان خورشیدی، پس از تخریب پل «کمینج» بارها نگرانی از بروز «فاجعه انسانی» در فصل سرما را با مقام‌های محلی غور، معاونت اول ریاست جمهوری، اعضای مجلس نماینده‌گان، وزارت فواید عامه و ریاست جمهوری در میان گذاشتند، اما به این مساله توجه نشد.

وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث به تازه‌گی از تهدیدات ناشی از حوادث طبیعی مرتبط به بارش برف و باران در ۲۵ ولایت کشور خبر داد و افزود که این ولایت‌ها در زمستان پیش رو، روزهای سختی را تجربه

عبدالمجید صمیم، رییس فواید عامه غور، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که حکومت مرکزی دستور داده تا پیش از آغاز فصل سرما، بررسی‌های ابتدایی برای بازسازی پل کمینج و بازگشایی مسیر انجام شود، اما به دلیل حضور طالبان و ناامنی، چنین کاری امکان ندارد.

او می‌پذیرد که در صورت مسدود بودن مسیر بزرگراه غور - هرات، حتا اگر مسیر فرعی «دره غوک» و «بند بایان» از وجود برف پاک‌کاری شود، باز هم این مسیر «قابل استفاده نیست» و راه غور - هرات به احتمال زیاد در فصل برف‌باری مسدود می‌شود.

حدود ۹۰ درصد راه‌های مواصلاتی ولایت غور «خامه/خاکی» است و همه‌ساله با آغاز فصل بارش برف و باران مسیرهای ارتباطی ولسوالی‌ها به مرکز ولایت و مرکز ولایت به ولایت‌های هم‌جوار برای مدتی مسدود می‌شود. وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث در جریان همین هفته اعلام کرد که در زمستان پیش رو بیش از هفت میلیون نفر زیر تهدید خطرات حوادث طبیعی قرار دارند و برای رسیده‌گی به مشکلات آنان بیش از دو میلیارد افغانی بودجه در نظر گرفته شده است.

هم‌زمان با این وزارت فواید عامه نیز از آماده‌گی‌اش برای پیش‌گیری از بسته شدن راه‌های مواصلاتی خبر داد و مسوولان این وزارت می‌گویند که در صورت بسته شدن راه‌های مواصلاتی، آماده‌اند تا بیش از هشت هزار کیلومتر سرک را پاک‌سازی کنند.

مسدود شدن راه‌ها در فصل زمستان سبب می‌شود که بسیاری از بیماران به دلیل نبود دوا و دسترسی نداشتن به پزشک و شفاخانه، در برخی ولسوالی‌های دوردست غور جان بدهند و همین امر نگرانی غوری‌ها از زمستان دشوار پیش رو را افزایش داده است و آنان از احتمال وقوع «فاجعه انسانی» هشدار می‌دهند.

بخش زیادی از سیاست‌گران افغانستان چشم به نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری در ایالات متحده امریکا دوخته بودند. این امر تا جایی طبیعی به نظر می‌رسد. این کشور یکی از موثرترین عامل‌های خارجی بر تحولات سیاسی و امنیتی کشور ما در چهل‌سال پسین بوده و از سال ۱۳۸۰ بدین‌سو به مرکزی‌ترین عامل در تحولات سرزمین ما ارتقا یافته است. دل‌بسته‌گی و شیفته‌گی به ایالات متحده تا جایی است که تنی چند از نامزدان ریاست جمهوری افغانستان در سال ۲۰۰۹ حضور در مراسم سوگند رییس جمهور آن کشور را سند مشروعیت و افتخار می‌انگاشتند و به دروغ اخبار کسب دعوت‌نامه از برگزارکننده‌گان چنین مراسمی را پخش می‌کردند. زمانی که آقای اوباما به صفت رییس‌جمهور ایالات متحده برگزیده شد، چنین شایعاتی در رسانه‌های کشور ما از جانب دسته‌های انتخاباتی بازناب می‌یافت. من در آن سال‌ها وزیر امور خارجه‌ی جمهوری اسلامی افغانستان بودم. در نقد چنین روی‌کردهای برده‌وار دو مقاله در روزنامه‌ی هشت صبح زیر عنوان «المپیای خفت» انتشار دادم. امروز هم دیدار و یا محاوره‌ی تلفنی رییس‌جمهور افغانستان با مدیران درجه‌سوم وزارت خارجه‌ی ایالات متحده دلیل مشروعیت و حمایت جهانی از سیاست‌های حکومت ما نگاشته می‌شود. این در حالی است که آقای ترمپ ترجیح می‌دهد با ملا برادر تلفنی گفت‌وگو و از او به عنوان رهبر «هوشمند و دلیر» ستایش کند. اما امروز نتیجه‌ی انتخابات ایالات متحده امریکا برای افغانستان از یک منظر دیگر واجد اهمیت است. گروه طالبان به مثابه‌ی متحد جدید ایالات متحده، به مقتضای سیاست دوران ترمپ در همان جایی نشسته است که حکومت‌های جمهوری اسلامی افغانستان در هژده سال گذشته قرار داشت. در این روزگار بیش‌تر از سخنگویان طالبان این آقای خلیل‌زاد است که به دفاع از طالبان و سیاست‌های آن‌ها می‌پردازد. نیایش‌های پی‌هم سخن‌پردازان طالبان برای پیروزی آقای ترمپ در همین راستا معنا و مفهوم می‌یابد. از سوی دیگر برخی از سیاستمداران در کابل نیز هنوز هم چشم به راه‌حل ترمپی-خلیل‌زادی دوخته‌اند و گمان می‌کنند که چنین پروژه‌ای منجر به صلح خواهد شد و مناسبات قدرت را در کابل از نو تبیین خواهد کرد؛ از این‌رو جایی شگفتی نخواهد بود که اگر از شکست آقای ترمپ زیاد خوش‌حال نباشند.

رهبان جمهوری اسلامی افغانستان نیز با دقت بیش‌تر منتظر نتایج انتخابات ایالات متحده بودند. در توهم تغییر سیاست ایالات متحده به سود حکومت کنونی و شکست احتمالی برنامه‌ی صلح آقای خلیل‌زاد، از منظر حکومت در کابل فرصتی خواهد بود تا بقیه مدت زمانی را که قانون در نظر گرفته است، به سر برساند. امیدها به این بسته شده است که خلیل‌زاد کنار زده شود و جای او را یک دیپلمات دیگر بگیرد؛ کسی که به سیاست انتقال قدرت خلیل‌زاد به طالبان و پاکستان تعهد نداشته و شاید به نظایر ایالات متحده و کمپلکس تسلیحاتی و نظامی این کشور نزدیکی بیش‌تری داشته باشد و به سخن دیگر به مثابه‌ی نماینده‌ی دولت ایالات متحده به جای طالبان به بقای این حکومت ارجحیت قابل شود. از چنین چشم‌اندازی، احتمالاً آقای جو بایدن بر سیاست انتقال قدرت به طالبان و پاکستان بازنگری کند.

هر دوی این روی‌کردها منطق خود را دارد. یکی کوشش می‌کند که طالبان قدرت را در کابل بگیرند و ادامه‌ی حضور ایالات متحده در افغانستان را از طریق تداوم حضور امنیتی-استخباراتی این کشور تأمین کند. همان نقشی را که حکومت‌های گذشته در هژده سال گذشته انجام داد؛ اما موفق به ایجاد یک حکومت استوار و متکی به خود و بر مردم خود و حتا حکومت صاحب استقرار متکی بر ایالات متحده نشد. این‌ها می‌خواهند با عنایت ایالات متحده دست‌کم سه سال دیگر بر اریکه‌ی قدرت بمانند و به ایالات متحده تفهیم کنند که می‌تواند سالیان دیگری هم در افغانستان باشد و دستگاه‌های استخباراتی و کشفی‌اش را در قلمرو افغانستان نگه‌داری کند. پیام ارسال‌ی به واشنگتن این است که ما برنامه‌های دقیق داریم و می‌توانیم هزینه‌های حضور ایالات متحده را کاهش دهیم و آن‌را برای مردم امریکا قابل تحمل سازیم. از این رو شکست برنامه‌ی صلح ترمپ-خلیل‌زاد را به مثابه‌ی یکی از پس‌آمدهای انتخابات ایالات متحده در ساحت سیاست خارجی می‌انگارند و در این راستا سخت چشم به پیروزی آقای بایدن دوخته‌اند.

برخاستگاه فکری هر دو روی‌کرد از این لحاظ که می‌خواهند وابسته‌گی به خارجیان تداوم بیابد، یکی است. هر دو کماکان به این توهم باور دارند که واشنگتن ام‌القرای افغانستان است و تنها با تکیه بر واشنگتن است که می‌توان در افغانستان سیاست‌گذاری کرد. این پندار شاید تا حدود زیادی مبتنی بر واقعیت‌های تلخ در سرزمین ما باشد که ما خود در تبلور آن مسوولیت داریم. ما به تعمیق این باور و واقعیت دردناک خود

جمهوری خواهی با بی طرفی و باور به نیروی مردم ممکن است

زمینه فراهم ساختیم و با به وجود آوردن شرایط برای ریشه‌یابی چنین سیاسی کمک کردیم. ما با اشاعه‌ی این توهم که با تکیه برکشورهای دیگر می‌توان جای خالی جنبش‌های مردمی را به مثابه‌ی حاملان پروژه‌های اصلاحی و ترقی‌خواهانه پر کرد، دامن زدیم. آن‌را بیش‌تر از پیش نهادینه کردیم و به سترون‌سازی باور به نیروی مردم و تحلیل داده‌های تاریخی و روابط اجتماعی و پخته‌گی معرفت‌جمعی به مثابه‌ی پیش‌شرط‌های تحول سیاسی توجه لازم نکردیم. ما متأسفانه از «کودتای هفتم ثور» تا امروز به تداوم باور به وابسته‌گی به دیگران و گریز از مسوولیت خودی کمک کردیم.

نه کسب قدرت توسط طالبان می‌تواند منجر به صلح و استقرار یک جامعه‌ای شود که در آن حداقل‌های مظاهر زنده‌گی معاصر بشری و دست‌کمی از استقلال رعایت و تأمین شود و نه هم تداوم حکومتی این‌چنینی که ما داریم می‌تواند منجر به استقلال و عدالت اجتماعی شود. اما تفاوت در این است که یکی با تمامیت مطلق یک بدویت بی‌نظیر را می‌خواهد حاکم کند و افغانستان را بیش‌تر از امروز از کیهان تمدن بشری برون اندازد و در کلیت و بدون هر استثنایی یک جریان تاریخ‌زده است و این دیگر هم می‌خواهد همچنان به وابسته‌گی، فساد و قانون‌گریزی، تقلب و تبعیض ادامه دهد.

آقای ترمپ به این باور بود که طالبان «جنگ‌جویان دلبری اند» که با «هوش‌مندی از کشور شان دفاع کردند» و امروز هم «خواهان صلح اند». آقای بایدن به این نظر است و این سخن را در ضیافت شامی که آقای کرزی به افتخار او برگزار کرده بود، در حضور تعدادی از وزرای افغانستان از جمله صاحب این قلم برزبان آورد که «پاکستان بیش‌تر از پنجاه‌برابر از افغانستان» برایش اهمیت دارد. من این نقل قول آقای بایدن را در کتاب «سیاست افغانستان؛ روایتی از درون» نقل کردم. وی در یک مناظره‌ی تلویزیونی با کاندیدان حزب دموکرات برای کسب نماینده‌گی آن حزب به منظور مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری در ماه فبروری امسال گفت: «درباره‌ی افغانستان باید بگویم، من کاملاً مخالف ایده‌ی ملت‌سازی در این کشور بودم…ممکن نیست که آن کشور متحد شود، هیچ امکان ندارد که آن کشور یک‌پارچه شود». آقای بایدن در سال ۲۰۱۱ زمانی که معاون بارک اوباما بود، نیز در مصاحبه با مجله‌ی امریکایی نیوزویک گفت که امریکا، گروه طالبان را در افغانستان دشمن خود نمی‌داند، «طالبان دشمن ما نیستند. این بسیار مهم است.»

سال گذشته، در یک مناظره میان نامزدان حزب دموکرات نیز آقای بایدن بار دیگر پیشنهاد کرد که نیروهای امریکایی از افغانستان خارج شوند و در عوض پاکستان پایگاهی برای این سربازان در اختیار امریکا بگذارد تا واشنگتن بتواند به «جلوگیری از حملات تروریستی از افغانستان به امریکا» بپردازد.

با در نظرداشت این واقعیت‌ها از منظر پالیسی‌سازی برای افغانستان و تبیین سیاست میان این انتخاب و آن انتخاب از لحاظ گوهرین تفاوتی وجود ندارد. شکست آقای ترمپ در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده از دید جهان این مزیت را دارد که به سخنی که در هفته‌نامه‌ی سایت آلمانی خواندم، «امریکاییان به‌زودی به این امر عادت خواهند کرد که از (هر سطر رییس جمهور شان) بی‌اعتنایی به دموکراسی، به دولت قانون، به دانش و حقیقت برون نزنند و کسانی هم بدون انتقاد از آن دنباله‌روی نکنند.» و شاید هم مردم افغانستان از شیدای‌ها و توطیه‌های سیاست‌مدار و دیپلماتی مانند خلیل‌زاد که با زیرکی و ترندبازی بسیار اهدافش را جلو می‌برد و تعداد زیادی از سیاستمداران کشور ما به بهانه‌ی این‌که «وی ریشه‌ی افغانی» دارد از او حمایت بی‌دریغ کردند و می‌کنند، نجات یابند. اگرچه نبود رسمی آقای خلیل‌زاد در سیاست‌گذاری ایالات‌متحده در پیوند با افغانستان این حسن را دارد که دیگر با عاطفی‌سازی سیاست و پناه‌جستن به اصلیت افغانش کم‌تر می‌تواند روی‌کردهای نژادگرایانه و تسلیمی افغانستان به پاکستان را توجیه کند؛ اما در روی‌کرد این کشور در برابر افغانستان دگرگونی کیفی و استراتژیک رونما نخواهد شد. کنارزدن احتمالی خلیل‌زاد این حسن دیگر را هم خواهد داشت که دست‌کم سیاست‌گذاران افغانستان از بدخواهی‌های یک دیپلمات که هوشیاری‌اش را بی‌پروا و گاهی با تهدید و ارباب مستقیم، پشتوانه‌ای یک سیاست ویران‌گر می‌کند، در امان بمانند.

عدم حضور ترمپ به مثابه‌ی رییس جمهور در رهبری یک کشور بزرگ جهان این مزیت را دارد که دست‌کم تقلیل سیاست به دروغ‌های سیستماتیک روزانه، به دلقک‌بازی‌ها و ابتدال باورنکردنی کم‌تر خواهد شد. و شاید که جهان از این ابتدال بی‌نظیر برای مدتی برون بیاید؛ اما در روابط ناعادلانه‌ی جهانی و در سیر و سرعت زوال نظام جهانی کنونی و ظهور قدرت‌ها و مرکزهای رقیب و آسیب‌دیدن فرایند جهانی‌شدن نویلیرالیسم

تغییر بنیادی نخواهد آورد.

پایان‌دادن به جنگ در افغانستان یکی از انسانی‌ترین خواسته‌هایی است که من می‌توانم در روزگار کنونی برای مردم ما تصور کنم. از این‌رو باید در راستای تحقق آن تلاش کرد؛ اما نخست باید شهامت این را داشت که به یک بازنگری رادیکال و به یک چرخش بنیادی در سیاست اندیشید. بر این مبنا: خروج نیروهای خارجی باید از افغانستان تحقق یابد؛ اما این خروج باید مسوولانه و مبتنی بر موازین بین‌المللی و توافق‌های افغانستان با جهان و ایالات‌متحده باشد. سیاست به جاگذاری زمین سوخته و تسلیمی کشور ما به پاکستان، سیاست خطرناکی است و موجب پایان جنگ و استقرار امنیت در افغانستان و منطقه نمی‌شود. مردم افغانستان تداوم قیومیت را نخواهند پذیرفت و در نهایت ما با فصل جدیدی از جنگ‌های که داری چند مشخصه است، روبه‌رو خواهیم شد.

از یک‌سو استقرار سلطه‌ی پاکستان بر افغانستان را هیچ میهن‌پرست افغان نخواهد پذیرفت و جنگ در کشور ما وارد دوران جدیدی خواهد شد. خواست کوتاه‌سازی دست پاکستان از سرزمین ما بسیاری را برای اشتراک در یک جنگ ضداشغال بسیج خواهد کرد. از این‌رو پیش از آن که جنگ وارد آن مرحله شود، بهتر است از اشغال دوباره‌ی افغانستان توسط پاکستان جلوگیری کرد. پاکستان و نیروهای وابسته‌ی آن به برابری شهروندان افغانستان باور ندارند و در پی آن اند تا گشایش‌های اندکی را که در سال‌های اخیر به وقوع پیوسته است، برگردانند. دشمنی با حقوق بشر، حقوق شهروندان و به‌ویژه حقوق زنان درونمایه‌ی اصلی این سیاست را تشکیل می‌دهد.

در بعد جهانی نیز علی‌رغم تیره‌گی‌های کنونی و هیجان‌های منطقه‌ای و جهانی به سود طالبان، امکان صف‌آرایی‌های جهانی و منطوقی بر ضد طالبان و حامیان آن کار دشواری به نظر نمی‌رسد. همان‌گونه که در هم‌جا نیروهای سیاسی در مبارزات سیاسی خود از یک‌سو در تلاش یافتن متحان داخلی است، در ساحت جهانی نیز در پی یافتن متحدان خارجی خواهد شد؛ در افغانستان نیز طور دیگری نخواهد بود. اوج حتمی رقابت‌های جهانی و منطقه‌ای در حوزه‌ی ما، اگر ما نتوانیم یک سیاست متعادل را پیروی کنیم، چنین امری را کاملاً ممکن و حتا حتمی می‌سازد. این گمان که با تکیه بر طالبان، برخی از تکنوکرات‌های طالبان‌اندیش و حمایت پاکستان می‌توان امنیت حضور طولانی را برای دستگاه‌های اطلاعاتی و نیروهای ویژه‌ی ایالات متحده در افغانستان تأمین کرد، در آن صورت بسیار دشوار خواهد شد. این تصور هم برای مردم افغانستان خطرناک است که گویا می‌توان افغانستان را به پایگاه مبارزه با حضور و نفوذ ایالات متحده با تکیه بر برخی از کشورهای منطقه و قدرت‌های در حال عروج تبدیل کرد. نه کشورهای منطقه و نه هم قدرت‌های در حال عروج آماده‌گی و اراده‌ی پرداختن بهای مبارزه با حضور ایالات متحده و تمویل دولت ناکام را دارد و نه هم این امر به سود کشور ما خواهد بود.

با این‌همه، واقعیت صفتبندی استراتژیک در جهان ما طوری است که ما در پگاه دورانی قرار داریم که در آن رقابت‌های مرگ‌آور هژمونیک و منطقه‌ای در حوزه‌ی پسیفیک و جنوب آسیا تا غرب آسیا‌زبانه خواهد‌زد. همین اکنون پیکارهای اقتصادی و رجزخوانی‌های سیاسی حتا در مبارزه با بیماری کرونا و تأسیس جزایر مصنوعی در دریای جنوب چین و شکل‌دهی ائتلاف‌های باورنکردنی در حوزه‌ی دریای جنوب چین و آسیا و پسیفیک نشانه‌های است که سیر هژمونی جهانی از آن‌ها متأثر شده است. اما این‌که دورنمای این تحول از منظر رقابت میان دموکراسی‌های لیبرال و نظام‌های اتوریتر به کجا خواهد انجامید، دقیق نمی‌دانیم. مهم‌ترین ویژه‌گی این دوران این خواهد بود که به روشنی نمی‌دانیم که پس‌آمد ائتلاف‌ها و رقابت‌های کنونی و آینده و گسست‌های نظام جهانی کنونی به کجا خواهد انجامید. خلی ایجاد شده در پی پس‌کشی ایالات متحده از غرب آسیا (خاورمیانه) چگونه پر خواهد شد. قدرت‌های هژمونیک جهانی چگونه خواهد توانست با در نظرداشت گسست‌های ساختاری نظام موجود جهانی (عروج چین، شکل‌گیری ائتلاف امنیتی در حوزه‌ی پسیفیک میان ایالات متحده، جاپان، استرالیا و هند و از سوی دیگر شکل‌گیری حوزه‌ی تجارت آزاد در همین منطقه میان چین و کشورهای یادشده در غیاب هند، برگشت فدراسیون روسیه به صحنه‌ی رقابت‌های جهانی، جدایی میان اتحادیه‌ی اروپایی و ایالات متحده امریکا، پیش‌روی‌های منطقه‌ای ایران، ترکیه و سعودی در غرب آسیا و …) به تدوین استراتژی بپردازد. رقابت نظام‌های سیاسی و اجتماعی در عرصه‌ی جهانی از یک‌سو، نظام در بحران لیبرال غربی از سوی دیگر و نظام‌های سیاسی اتوریتر اما موفق از جانب دیگر چه دورنمایی را در درازمدت موجب خواهد شد؟



رنگین دادفر سپتتا

بحران‌های سوسیال‌دموکراسی موجود به کجا خواهد انجامید؟ و بسیاری از پرسش‌های دیگر.

تنها چیزی که روشن می‌نماید این است که جهان دیگر آن جهان روزگار تک‌تازی منحصر کشورهای غربی به رهبری ایالات متحده نخواهد بود. با این هم برخی نموده‌ها را می‌توان دید. در جنوب آسیا، دریای جنوب چین و حوزه‌ی پسیفیک یک رقابت جهانی وحشتناک در جریان است. در شرق‌میانه بر سر خلی بر جای مانده از پس‌روی ایالات متحده یک رقابت خونین میان قدرت‌های منطقه‌ای از اواخر اداره‌ی رییس‌جمهور اوباما تا حال ادامه دارد. به وضوح دیده می‌شود که در بعد سیاست‌های کلان، گره‌گاه اصلی رقابت‌های مرگ‌بار آینده همان‌گونه که در بالا اشاره کردم، در نزدیکی‌های سرزمین ما خواهد بود. دیده می‌شود که نخستین نشانه‌های این جابه‌جایی استراتژیک در همکاری و نزدیکی نظامی میان ایالات متحده، جاپان، استرالیا و هند تبیین می‌یابد. اما آیا این همکاری که به منظور مقابله با عروج اقتصادی و نظامی جمهوری مردم چین صورت می‌گیرد، می‌تواند مانند پیوند میان کشورهای عضو ناتو در روزگار جنگ‌سرد تحکیم و تداوم بیابد، پرسشی است که به دشواری بتوان به آن جواب روشن داد. بخش استعماری تمدن غربی بر شانه‌های مردان موی‌بور، سپیدپوست و اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال استوار بود و استوار است. امری که از آن تاکنون در کشورهای غربی به نام «اتحاد ارزشی» یاد می‌کنند. اما در واقعیت، عنصر اصلی آن و نیروی محرکه‌ای مرکزی آن، در دوران جنگ‌سرد، تقابل اقتصاد و سیاست سرمایه‌داری لیبرال با اقتصاد و نظام سیاسی توتالیتر سوسیالیسم دولتی بود.

به سخن دیگر افزون بر دشمنی میان دو نظام سیاسی رقیب، مشترکات دیگری نیز وجود داشت که روابط میان کشورهای عضو ناتو را، دست‌کم تا پیروزی بر شوروی، ظاهراً عاری از بحران و تنش کرده بود. در رقابت کنونی میان چین و ایالات متحده برخی از این عناصر وجود ندارند. از انقلاب صنعتی بدین‌سو این نخستین بار است که مردان اتوریتر غیرسپید و غیرمسیحی داعیه‌ای سلطه بر جهان و احتمالاً امکان تحقق آن‌را دارند.

وقتی عوامل تقابل و صفتبندی هم در گستره‌ای منطقه هم در ابعاد جهانی در کنار افغانستان در جریان باشد، آیا ممکن است که با یک صف از این نیروهای ستیزه‌جو متحد شد، به آن پایگاه نظامی و استخباراتی داد و از گزند بخش دیگر در امان بود؟ در چنین شرایطی آیا ممکن خواهد بود افغانستان را از چنبره‌ی جنگ‌های نیابتی در آینده برون کرد؟ تحول‌های اوکراین، سوریه، لیبیا و بیش‌تر از آن تجربه‌ی افغانستان نشان می‌دهد که سیاست درست، برون‌کردن کشور ما از ساحت رقابت‌های هژمونیک است.

وقتی تقابل‌های کلان استراتژیک در دوران سلاح‌های امحای جمعی به وقوع می‌پیوندند، قربانیان اصلی آن کشورهای ضعیف و به خصوص کشورهای است که از یک آن دولت‌های ناکام حکمروایی می‌کند. مردم سوریه و لیبیا نه تنها به دموکراسی و حقوق بشر دست نیافتند؛ بلکه هستی‌شان را نیز از دست دادند. نه تنها سرزمین‌ها ویران و تاراج شد که عزت و شرف زنان و فرزندان ما مردم جهان سوم، از افغانستان تا لیبیا، نیز در بازارها و عشرت‌کده‌ها به حراج گذاشته شد.

ما باید از این راه رفته برگردیم و با همان امکان‌های ناچیز خود کشور مان را بسازیم و شرف و عزت مان را احیا و پاسداری کنیم. این ممکن نیست مگر این‌که کشور بی‌طرف و دارای سیاسی آرام و دوستانه با همه همسایه‌ها، منطقه و جهان باشیم.

از این‌رو نباید به این امر امیدوار بود که آقای بایدن خواهد آمد و صفحه‌ی نوی از حضور آن کشور در سرزمین ما گشوده خواهد شد و ما از جنگ و کشتار بدین‌گونه رهایی خواهیم یافت. ما باید با این آگاهی روابط خود با ایالات متحده را سامان بدهیم که از یک دست، امریکاستیزی و دشمنی با این کشور به سود ما نیست و از جانب دیگر تبدیل کشور ما به پایگاه دائمی حضور ایالات متحده و قبول دشمنی رقیبان این کشور، به سود امنیت، صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در سرزمین ما نخواهد بود.



مرکز تخصصی انگلیسی آکادمیک و آمادگی آزمون های تافل و آیلتس!

چرا کانون زبان کابل (KTS)؟

- ✓ ارایه مشاوره رایگان برای بورسیه ها
- ✓ برنامه درسی متمرکز روی چهار مهارت اصلی زبان انگلیسی
- ✓ اساتید دارنده نمرات بلند تافل و آیلتس

برنامه ها

- ✓ صنوف انگلیسی هدفمند آکادمیک (EAP)
- ✓ صنوف پیش نیاز تافل (TOEFL Planner)
- ✓ صنوف آمادگی آزمون آیلتس (IELTS Prep)
- ✓ صنوف آمادگی آزمون تافل (TOEFL Prep)
- ✓ صنوف ویژه محاوره، گرامر و ...

☎ +93 (0) 792 338 773 | 📍 Kabul TOEFL School کوچه حبیب سازی دواخانه، گولایی دواخانه، در تماس شوید.

+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com | ☎ 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان

مؤسسه نشر واژه



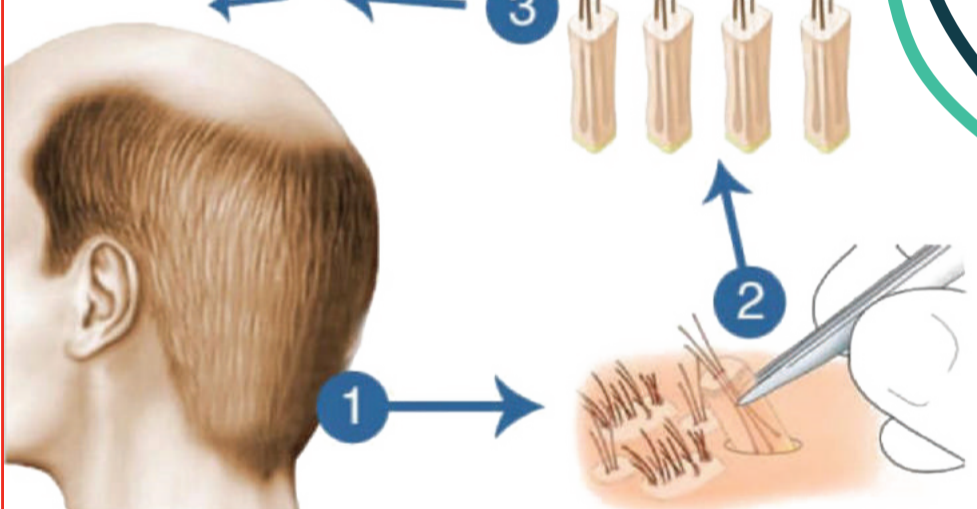
دفتر مرکزی و فروشگاه: ۱ کابل، کارته ۳، چهارراه پل سرخ، مارکت تجارتي ملی، منزل پابین، نشر واژه
فروشگاه: ۲ کابل، پل سوخته، چوک شهید مزاری، مارکت محمدی، نشر واژه
چاپخانه: کابل، شهرک امید سبز، فاز اول، چاپ واژه، پلاک ۲۲
۰۷۸۰۷۴۷۲۳۰ - ۰۷۸۰۷۴۷۳۴۷

📍 Vazha.Publication | 📷 NashreVazha | 📧 VazhaPub

شفاخانه آینه صحت



• کاشت مو طبیعی به روش FUE



کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیر حسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت
شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰
ایمیل آدرس: info@ayenasehat.af



شرکت خدمات IT برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

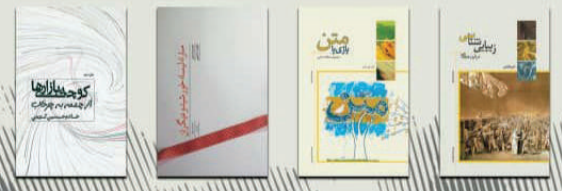
- ✓ طراحی وبسایت
- ✓ وب هاستینگ و ثبت دامین
- ✓ طراحی و توسعه دیتابیس
- ✓ ساخت برنامه های موبایل
- ✓ طراحی و پیاده سازی نتورک
- ✓ نصب کامره های امنیتی
- ✓ بازاریابی از طریق شبکه های اجتماعی
- ✓ گرافیک دیزاین (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- ✓ سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)

+93777690909 | info@bartartech.com

+93787935900 | www.bartartech.com | کوته سنگی، گولایی دواخانه، کابل افغانستان

مؤسسه خدمات نشر و پخش کتاب دانشگاه

چاپ، نشر و پخش کتاب



آدرس: کابل، کارته چهار، چهارراهی پل سرخ، مارکت تجارتي ملی، منزل همکف، انتشارات دانشگاه
۰۷۸۸۵۷۷۱۸۲ - ۰۷۹۶۷۴۷۲۴۲

danishgah.pub@gmail.com

معتبر و باکیفیت

هاردسک اکسترنال

انتی ویروس (خانگی + تحت سرور)

بامیکا

Follow us on

@BamikaSoft & @BamikaHard

ما را دنبال کنید



۳ سال ورتتی تبدیلی
ADATA
Silicon Power

ESET
Kaspersky



www.bamikatech.com

0789945066 - 0799735660

آدرس: چهارراهی پل سرخ، مارکت ملی، منزل اول، نمبر ۱۹

خروج امریکا از جنگ پیروزی ناپذیر افغانستان بی پروایی نیست

در برابر تهدیدات تروریستی از طریق نهادهای قدرت مند اطلاعاتی، نظارتی و شبکه‌های اکتشافی و توانایی بی نظیر در انجام حملات هدفمند علیه هرگونه تهدید مستقیم برای کشور ما، می‌توانیم بگوییم که امنیت ما در معرض خطر نیست. ما بدون داشتن پایگاه‌های دائمی در افغانستان از تهدیدات مصون خواهیم ماند. منطق راهبردی ایجاب می‌کند که ایالات متحده به نقش ما در جنگ افغانستان پایان دهد و نیروهای ما را بیرون کند.

اگر تغییرات پنتاگون آقای ترامپ بتواند زمینه را برای پایان دادن به طولانی‌ترین جنگ امریکا فراهم کند، این اقدام ستودنی خواهد بود. ما نباید از مالیه‌دهنده‌گان بخواهیم که پول خود را برای یک جنگ بی‌پایان هدر دهند و ما از سربازان خود می‌خواهیم که دیگر جان‌شان را برای این جنگ پیروزی‌ناپذیر به خطر نیندازند.

یادداشت: دانیل ال. دیویس، یکی از اعضای ارشد اولویت‌های دفاعی و یک افسر ارتش است که چهار بار در مناطق جنگی فرستاده شده است. او نویسنده کتاب «ساعت یازدهم در سال ۲۰۲۰ امریکا» است.

نکته‌ی مهم نیز قابل ذکر است که رهبران و افسران نظامی منتخب ما برای تأمین منافع و اراده‌ی مردم امریکا خدمت می‌کنند.

اکثریت جمعیت امریکا، حتا در صدی بیش‌تری از سربازان پیشین از تصمیم آقای ترامپ برای عقب‌نشینی حمایت می‌کنند. حتا ۶۰ درصد رأی‌دهنده‌گان جو بایدن نیز عقب‌نشینی را ترجیح می‌دهند. برخی دیگر استدلال می‌کنند که رییس جمهور باید قبل از عقب‌نشینی اجازه دهد که مذاکرات بین دولت افغانستان و طالبان انجام شود.

عقب‌نشینی از دو نظر یک اشتباه خواهد بود: اول، اکنون برای همه واضح شده است که چه ارتش امریکا در افغانستان حضور داشته باشد یا خیر، خشونت بین طالبان و نیروهای دولتی حتا در جریان مذاکرات ادامه خواهد داشت. ذکر این نکته نیز مهم است که نیروهای دولتی خود حکومت را در برابر طالبان محافظت کرده‌اند و این دلیل خوبی است که باور کنیم آن‌ها پس از اتمام عقب‌نشینی ما نیز به این کار ادامه خواهند داد. برعلاوه این جنگ از آن‌ها (افغان‌ها) است - نه از ما که برنده یا بازنده باشیم. به دلیل توانایی قابل توجه امریکا برای دفاع از خود

طالبان در ماه فبروری سال جاری، قصد آقای ترامپ در مورد بیرون کشیدن همه نیروهای ما کاملاً واضح بود.

نیویارک تایمز در ماه می گزارش داد که پنتاگون در حال تهیه نقشه‌هایی است که باید همه نیروها را تا ماه می ۲۰۲۱ بیرون بکشد. تسریع روند عقب‌نشینی پس از تقریباً دو دهه جنگ بدون پیروزی، طی چهار ماه بسیار یک اقدام «شتاب‌زده» است. علاوه بر این، کارشناسان از این که آقای ترامپ سعی دارد که خواست خود را بالای جنرال‌های ارتش برای خروج سریع‌تر تحمیل کند، نگران هستند. این بحث خود نشانه‌ی نگرانی است.

بباید این را روشن بسازیم که قانون اساسی ایالات متحده، پیش‌بینی کرده است که غیرنظامیان ارتش را اداره می‌کنند. ماده‌ی ۲ قانون اساسی، رییس جمهور را سرقوماندان اعلی تعیین کرده است و جنرال‌ها را مکلف به اجرای دستورات وی می‌داند. رییس جمهور، روی موضوعات با افسران ارتش نظامی مشوره می‌کند؛ اما وقتی سرقوماندان اعلی دستور قانونی می‌دهد، جنرال‌ها ملزم به اجرای آن هستند، ولی حق ندارند آنرا زیر سوال ببرند. این

پس از برکناری مارک اسپر، وزیر دفاع ایالات متحده در هفته‌ی گذشته و ارتقای کریستوفر میلر به سمت سرپرست‌وزیر وزارت دفاع و تعیین داگلاس مک گریگور به عنوان مشاور ارشد وی در پنتاگون، به باور بسیاری از کارشناسان ترامپ قصد دارد که قبل از ختم دوره‌ی ریاست جمهوری خود، روند خروج نیروهای امریکایی را از افغانستان و احتمالاً عراق و سوریه سرعت بخشد.

در حالی که بسیاری از کارشناسان نسبت به اقدامات گزارش شده در مورد عقب‌نشینی نظامی امریکا، زنگ هشدار را به صدا در می‌آورند، برخی دیگر که در امور افغانستان از تجربه‌ی زیادی برخوردار هستند، در واقع از عقب‌نشینی احتمالی این نیروها حمایت می‌کنند.

مارک پولیمربولس، افسر ارشد بازنشسته‌ی سازمان سیا، اواخر روز چهارشنبه به پولیتیکو گفت که وی «خروج سریع و قریب‌الوقوع» کامل نیروهای امریکایی از افغانستان را اقدام «غیرمحتملانه» می‌داند. دیدگاه‌هایی مانند آقای پولیمربولس هیچ‌گاه مورد غور و بررسی دقیق قرار نمی‌گیرد. در ابتدایی‌ترین سطح، دشوار است که روند خروج از افغانستان پس از ۱۹ سال را «شتاب‌زده» تعریف کنیم. از زمان امضای توافق‌نامه میان ایالات متحده و



مرکز زبان های خارجی

مزایا

- مواد درسی معیاری
- استادان مجرب و مسلکی
- میتود درسی نظری و عملی
- صنوف ویژه حضوری و آنلاین
- صنوف درسی مجهز با تخته های هوشمند و فناوری روز

برنامه ها

- کورس 3 ماهه زبان انگلیسی ویژه متعلمین
- برنامه درازمدت دیپلوم زبان انگلیسی
- صنوف ویژه محاوره زبان انگلیسی
- برنامه کوتاه مدت زبان انگلیسی
- سرتیفیکت زبان ترکی

پذیرش جریان دارد

☎ 0730604040 ☎ کارته پروان، بهارستان، ایستگاه برج برق

نوی عدالت الکتریک

عرضه کننده هر نوع سامان آلات برقی، کیبل جات ایرانی و ترکی
گروپ های کم مصرف LED گروپ های چارچی و بخاری های برقی
با قیمت های مناسب در خدمت همشهریان عزیز قرار دارد

پرچون



عمده

آدرس اول: کابل، کوته سنگی شروع پل هوایی جوار هتل آریانا کابل - مرکز تجاری نظیف
آدرس دوم: کابل، کوته سنگی جوار کوچه حلبی سازی - مارکیت چهاردهی وال
شماره های تماس: 0781776989 - 0744019820 - 0730784449





رنا پوهنتون

شکوفاییه است دادها



مشوره و مساعدت حقوقی رایگان در کلینیک حقوقی پوهنتون رنا

کلینیک حقوقی پوهنتون رنا، افتخار دارد که به افراد بی بضاعت طبق مقرره‌ی مساعدت‌های حقوقی، خدمات حقوقی از قبیل مشوره، نوشتن عریضه، صورت دعوی، دفاعیه، اعتراضیه و وکالت در محاکم را، در موضوعات فامیلی، مدنی و جزائی به گونه‌ی مجانی توسط وکلای مدافع با تجربه عرضه می نماید. اگر در بخش‌های فوق مشکل حقوقی دارید به کلینیک حقوقی رنا مراجعه نمایید، ساعات کاری در روزهای هفته: از ساعت 8 صبح الی 4 عصر (شنبه الی پنجشنبه)

شماره‌ی تماس: 0730578888 آدرس: چهارراهی برهکی، دفتر کلینیک حقوقی پوهنتون رنا



آسیه حمزای

می‌گوید: «چه می‌فامیدیم قرار است ای قسم شوه، تا حال که تقریباً دو هفته از حادثه تیر شده، هنوز که چشمم به بلندمنزل و ساختمان می‌افته، احساس می‌کنم طرفم فیر خاد شد و کسی پشت کلکین‌ها مره هدف می‌گیره. فقط مه این قسم نیستم، دگه هم‌صنفي‌هايم هم به همي حالت آمدن. يك روز عادی نبود که به‌راحتی فراموش شوه. ما فراموش نکدیم و هنوز کابوس می‌بینیم، اما فکر می‌کنم او روز تلخ د دانشگاه کابل هم برای دیگر عادی شد و خلاص. غیر از خود ما که د روز دانشجو خانه رقیه و احمدعلی رفتیم، دگه کی سراغ اونا ره گرفت؟»

پشت ميز کارم نشستام و ذهنم درگیر سوژه‌یابی است. فیس‌بوک و توئیتر را بالا و پایین می‌کنم تا موضوع بهتری برای نوشتن پیدا کنم. شبکه‌های اجتماعی تبدیل شده به محصلانی که همه در عکس می‌خندند و چشمانی که از امید به آینده برق می‌زند. با خود می‌گویم دوران دانشجویی هم عالمی دارد. برای چند ثانیه خیالم می‌رود از افشار به پل سرخ، از شهرک حاجی نبي به خیرخانه، از پل سوخته به ایستگاه انچی برچی؛ خانه‌هایی که امسال روز جهانی دانشجو را تجلیل کرده‌اند با تن‌پوش عزا بر قامت. بیرق سیاه افراشته بر دروازه‌ی خانه، شمع‌های افروخته در حویلی و لبخندی غریب که خشکیده در یک قاب عکس؛ دانشجویانی که تا همین دو هفته قبل با شوق سمستر هفتم را شروع کرده بودند و فقط چند ماه دیگر باقی بود تا فارغ‌التحصیلی خود را جشن بگیرند، اما نشد که نشد.

۱۷ نوامبر روز جهانی دانشجو است و من در میان تمام سوژه‌ها دوباره برمی‌گردم به دانشگاه کابل، به دانشکده

روز جهانی دانشجو؛

کابوس دانشگاه و امیدی که به مویی بند ماند

حقوق و علوم سیاسی، به ستاژ حقوقی، به دوازدهم عقرب، به ساعت ۱۰:۴۶ پیش از چاشت، به صنوف آمیخته با خون و همه‌ی آن آرزوها و رویاهایی که در میانه جنگ و نفرت مهاجمان سوخت و خاکستر شد. فهرست دانشجویان اداره و پالیسی عامه دانشگاه کابل را بررسی می‌کنم، به الهام پویا زنگ می‌زنم، دانشجوی صنف «ب» که در روز حمله مهاجمان در صنف حضور داشته است. آن روز پیش چشمانش دو هم‌صنفي‌اش جان باخته و شاهد زخمی شدن دیگر هم‌صنفي‌هايش نیز بوده است. خودش توصیف می‌کند: «دل خراش بود، خیلی دل‌خراش. هم‌صنفي‌هايم يکي پشت دگه از منزل دوم پایین می‌پریدن، زمین گلگون شده بود. غیر از رقیه که همو اول در تیررس مهاجما قرار گرفت و کشته شد، دیگران لنگان‌لنگان با حرکات زیگزاگی فرار می‌کدن. شلیک‌های پی‌هم یکی‌یکی هم‌صنفي‌هايم ره زمین گیر می‌کد، چه حال بود همو روز! غیر از رقیه، احمدعلی هم جان باخت.»

به او می‌گویم درک می‌کنم که حال جسمی و روحی مساعدی نداری، اما خودت مانده‌ای تا راوی زنده‌ی آن روز باشی. بگو چه شد؟ می‌گوید: «چه می‌فامیدیم قرار است ای قسم شوه. تا حال که تقریباً دو هفته تیر شده از او حادثه، هنوز که چشمم به بلندمنزل و ساختمان می‌افته، احساس می‌کنم طرفم فیر خاد شد و کسی پشت کلکین‌ها مره می‌گیره. فقط مه ای قسم نیستم، دگه هم‌صنفي‌هايم هم به همي حالت آمدن. يك روز عادی نبود که به‌راحتی فراموش شوه. ما فراموش نکدیم و هنوز کابوس می‌بینیم، اما فکر می‌کنم او روز تلخ د دانشگاه کابل هم برای دیگر عادی شد و خلاص. غیر از خود ما که برای روز دانشجو خانه رقیه و احمدعلی رفتیم، دگه کی سراغ اونا ره گرفت؟»

«ما د منزل دوم بودیم، وقتی صدای فیرها و انفجارها آمد، به سمت چهار کلکین صنف هجوم بردیم. حس ترس بر

ما مستولی شده بود، چون صدای پای مهاجمان هر لحظه نزدیک‌تر می‌شد. هر چه می‌خواستیم کلکین چهارمی را باز کنیم، دستم می‌لرزید و نمی‌توانستم دستگیره‌اش ره بگیرم. بیژن، هم‌صنفي‌ام، باز کد. تمام کلکین‌ها جالی داشت، با سر و شانهم محکم زدم به جالی که پاره شوه. اول کمک می‌کدیم دخترا فرار کنن. خودم آماده پریدن شدم. همه پایین پریدیم، اما رقیه که ضعف کده بود، نمی‌توانست. برای همی، آخرین نفر بود و مهاجما با پنج گلوله او ره کشتن. رقیه هم‌صنفي آرام و درس‌خوان ما بود. همو روز دوشنبه، اولین روز د سمستر نو بود که رقیه آمد. قبل از او برش زنگ زده بودم که چرا نمی‌آیی؟ گفت محفل داشتیم. برش گفتم: تیریکت باشه، نامزد شدی؟ خندید و گفت: نی، از خودم نبود، اما از خودم هم به زودی شاید شوه.»

«پایین پریدم و محکم به زمین خوردم، اما وضعیتیم بد نبود. به هم‌صنفي‌هایی که با مه بودن، گفتم پشت دیوار یا درخت‌ها پناه بگیریم و هوشمندانه به زخمی‌ها کمک کنیم. می‌تأم بگویم صحنه‌هایی که او لحظات خلق شد، چیزی بیشتر از یک فاجعه بود. پیش چشم‌هايم دوست‌هايم از منزل دو با اوج رعب و وحشت پایین می‌پریدن. سحر با صورت به زمین خورد، ناهیده پایش از شدت ضربه آسیب دید و در حین فرار گلوله خورد، چند فیر پیاپی به رقیه و احمدعلی و نعیم شد. از بین این سه نفر، فقط نعیم زنده ماند. گیتی کمرش میده شد، مبارک شاه، راشد و وهاب مرمی خوردند. از آسمان ستاژ حقوق دانشگاه کابل خون می‌بارید. این صحنه‌ها اگر فاجعه نیست، پس چه اس؟ این وضع مصونیت بزرگ‌ترین نهاد آموزشی کشور است.»

قصه‌های الهام تلخ است، مخصوصاً قصه‌های لحظاتی که امید فقط به مویی بند می‌شود، به ویژه آن‌جا که می‌گوید: «ناهیده وقتی از کلکین خود را پرتاب می‌کد، پایش آسیب دید و در حالت فرار هم یک مرمی به دستش خورد. او در

ساحه شلیک مهاجم دومی بود، اما برای لحظاتی صدایی نیامد. با خودم گفتم که شاید شاجور آن‌ها مرمی خلاص کده، بلافاصله دویدم به طرف ناهیده. لحظات حساسی بود، هر ثانیه امکان داشت به ما شلیک کنن. سرش فریاد زد و گفتم: چه می‌کنی؟ می‌کشتن او دخترا. کمکش کدم و تا ۳۰ متر پیش‌تر رفتیم. تسلیمش کدم به دو نفر از کارمندای دانشگاه، نفسم سوخته بود. برگشتم، من بودم و سحر، بیژن، حسنا، نذیر، دنیا، سعیدیه و هم. از شدت ترس نقشه دانشگاه از پیش‌مان گم شده بود. از پشت دانشکده شرعیات فرار کدیم، می‌خواستیم از دیوار بریم بالا و از محوطه دانشگاه و ضلعی که منتهی به دهبوری می‌شد، برآییم. سر دیوار پر از سیم‌های خاردار بود و فقط راهی کوچک و تنگ برای گریز داشت. اول سحر را روانه کدیم، وحشت‌ناک بود. وقتی می‌خواست عبور کند و بپرد، گوشه‌ی چادرش که دور گردنش پیچیده شده بود، به سیم‌های خاردار گیر کد. وقتی پرید، لحظه‌ای فکر کدیم سحر حلق‌آویز شده. کمکش کدیم. بخشی از فاجعه بعد از گریز بود؛ وقتی به خود آمدیم و دیدیم احمدعلی و رقیه را با خود نداریم؛ وقتی یکی‌یکی می‌رفتیم شفاخانه تا به هم‌صنفي‌های زخمی رسیده‌گی کنیم؛ وقتی مره از جمع ما حالش وخیم بود و ما نگران.»

احمدعلی که در حادثه ۱۲ عقرب دانشگاه کابل جان باخت، از دوستان صمیمی الهام بوده است. او احمدعلی را «اندیوال» خود توصیف می‌کند و می‌گوید که «آن پسر شوخ و پرانرژی این اواخر عاشق شده بود، آهنگ‌های احمدظاهر را زمزمه می‌کد و گاهی درد دل... اما دنیا به او و عشقش وفادار نبود که نبود.»

۱۷ نوامبر روز جهانی دانشجو است و این گوشه‌ای از روایت جوانانی که در سایه‌ی جنگ و خشونت در افغانستان درس می‌خوانند، با هزاران آرزوی در سر به دانشگاه می‌روند، برخی جان به سلامت می‌کشند و تعدادی در همان صنف‌های‌شان با زنده‌گی وداع می‌کنند، بسیاری برحمانه و بسیار ناجوان‌مردانه. آن قدر مکالمات میان من و الهام تلخ است که یادم می‌رود، پیش از خداحافظی می‌گویم: راستی روز دانشجو مبارک!

روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

۷

سال سیزدهم
شماره ۳۴۸۰
تپارشنبه
۲۸ عقرب ۱۳۹۹
۱۸ نومبر ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

افغانستان به استحکام نهادها ضرورت دارد،

نه به ابرقهرمان

مصدق پامیری

پوپولیسیم اینک به واقعیتی انکارناپذیر در سپهر سیاست جهانی مبدل شده است. پس از ظهور بحران مهاجرت در سال ۲۰۱۵، احزاب دست‌راستی در اروپا به گونه‌ی روزافزون پایگاه‌های مردمی‌شان را استحکام بخشید و به احزاب اثرگذار و محبوب مبدل شد.

همه‌پرسی برگزیت در سال ۲۰۱۶ شاید یکی از نقاط اوج ظهور این پدیده در اروپا بود. نه تنها در انگلیس؛ بلکه در کشورهای اسکندونیایی و کشورهای اروپای شرقی و غربی احزاب پوپولیست با به قدرت رسیدن و یا تا اندازه‌ی زیادی محبوبیت مردمی کسب کرد.

در سال ۲۰۱۶، دونالد ترامپ با اتخاذ روش پوپولیستی و با هیولانمایی مهاجران و مسلمانان، بر امواج احساسات مردمی سوار شد و در انتخابات به پیروزی رسید.

در کشورهای آسیایی نیز کسانی چون رودریگو دوترت، رییس جمهور فیلیپین و نرندارا مودی، صدراعظم هند با اتخاذ سیاست‌های پوپولیستی حتا پروای پیامدهای خشونت‌آمیز چنین سیاست‌هایی را در سر نداشتند.

پوتین و اردوغان نیز از چهره‌هایی بودند که بر محور گفت‌مان‌های حساسیت‌برانگیز، سیاست‌های‌شان را بنا کردند و در نتیجه کشورهای‌شان را به مکان‌های بدی برای دیگراندیشان و رسانه‌های آزاد بدل کردند.

باری فوکویاما گفته بود که دموکراسی تمام رقبای ایدیولوژیکش را از میدان رانده است؛ اما اینک دموکراسی در تمام جهان با یک خطر جدی روبه‌رو است و آن پوپولیسم است.

پوپولیسم عرصه‌ی سیاست را از کنش‌های نرم‌تایف دور کرده است و در عوض به ترویج دیگرهراسی و تضعیف روزافزون نهادهای دموکراتیک در سطح جهان انجامیده است.

شاید بتوان یکی از مهم‌ترین نمونه‌های پیامدهای ناگوار این روش سیاسی را در شرایط حاضر در نپذیرفتن نتایج انتخابات امریکا از جانب دونالد ترامپ و ترغیب هوادارانش به ریختن به خیابان‌ها، جست‌وجو کرد.

دونالد ترامپ برای اولین بار نهاد انتخابات امریکا را با چالش مواجه کرده است. واکنش‌های او با مسأله‌ی انتخابات امریکا با واکنش‌های متعارف سیاست در امریکا مغایرت دارد. دو روز پیش، شمار زیادی از هواداران خشن او به شمول یکی از جنبش‌های ضد مهاجران به جاده‌های واشنگتن دی‌سی ریخته بودند و با توسل به نمایش غضب و خشونت، علیه نهادهای جاقفاده‌ی امریکا شعار می‌دادند و در چند مورد باعث درگیری‌های خشونت‌بار با مخالفان رییس جمهور ترامپ شدند. به گونه‌ی نمونه تمام شکایت‌های او مبنی بر تقلب در ایالت پنسلوانیا از جانب دادگاه ایالتی رد شده است، با وجود آن او خود را در توییتهای مکرر برنده اعلام می‌کند و مخالفانش را به تقلب در انتخابات متهم می‌کند.

پوپولیسم تنها بی‌اعتنایی به نورم‌ها و نهادهای جاقفاده‌ی موجود سیاسی نیست، در کنار آن، پوپولیسم نوعی سیاستی است که کثرت راه‌حل‌ها را نادیده می‌گیرد و با روی کردی مطلق‌گرایانه آرمان‌های ملی را در وجود یک ابرقهرمانی که در لحظه‌ی بحران به عنوان ناجی ملت ظهور می‌کند، مفصل‌بندی می‌کند. این پدیده ناجی یا ابرقهرمان که در شرایط بحران مقدرات ملتی را به دست گرفته است، خود را نماد پاکي، وفاداری به آرمان‌های ملت و حلال همه مشکلات می‌پندارد و مخالفان خودش را به نادانی و حتا مخالفت با منافع ملی متهم می‌کند. این‌ها خصلت‌های عام تمام پوپولیست‌ها در سطح جهان است. تمام این پوپولیست‌ها با توسل به چند شعار، میان خود به عنوان نماینده‌ی برحق مردم و منافع مردم و مخالفان به عنوان گم‌شسته‌گان اجنبی ملت، مرز می‌کشند.

اعضای رهبری حزب بی‌جی‌پی و هواداران نرندارا مودی مخالفان خود را تاپه‌ی «anti national» می‌زنند و به همین ساده‌گی مخالفان سیاسی خود را مشروعیت‌زدایی می‌کنند. ولادیمیر پوتین مخالفان سیاسی‌اش را از کشور متواری کرده است. اردوغان پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶ در ترکیه، هزاران مخالف سیاسی‌اش را زندانی یا از کارهای دولتی برکنار کرد. پوپولیسم در افغانستان اما ماهیت دیگرگونه دارد. این‌جا پوپولیسم زبان حال الیگارش‌ی است. پوپولیسم در این مملکت با خواسته‌های طبقات پایین جامعه یا طبقه‌ی متوسط گره نخورده است؛ پوپولیسم در افغانستان فقط در حد شعار است و بس و تلاش دارد تا با زنده‌گی روزمره‌ی مردم در حد شعار پیوند یابد.

پوپولیسم سیاسی در افغانستان به چیزی دامن زده است که دانش‌مندان علوم سیاسی از آن با عنوان «discriminatory legalism» که شاید بتوان آن‌را قانون‌گرایی‌ گزینشی یا تبعیض‌آمیز ترجمه کرد، یاد می‌کنند. معنای ساده‌ی این جمله براساس نظریات این دانش‌مندان، این است که برای حلقه‌ی قدرت و حلقه‌ی رفقا همه‌چیز و برای مخالفان قانون، ما، در سال‌های گذشته شاهد قانون‌شکنی‌ها، اختلاس‌ها و فسادهای بزرگی در این مملکت بودیم که متأسفانه در برابر این قانون‌شکنی‌ها برخورد دوگانه صورت گرفته است. شماری که از قربانان حلقه‌ی قدرت بوده‌اند، همواره در برابر قانون معافیت داشته‌اند و قانون فقط و فقط علیه مخالفان این حلقه‌ی قدرت یا

قانون‌شکنان کوچک علم شده است. یکی دیگر از ویژه‌گی‌های پوپولیسم قهرمان‌گرایی است. عرصه‌ی حکومت و دولت‌داری در این طرز دید مبدل می‌شود به عرصه‌ی نمایش اعمال قهرمان‌منشانه‌ی یک عده‌ی محدود.

در این نوع حکومت‌ها معمولاً عده‌ای می‌خواهند تا نشان بدهند که آن‌ها یگانه غم‌خوار و ناجی ملت اند و برای ملت در حال پیشکش قربانی‌ها و از خودگذری‌های بی‌شمار اند.

اگر آن‌را با مثال واضح سازم، در گفت‌وگوهای انتخابات با نامزدان ریاست جمهوری، یکی از مجریان یک تلویزیون مشهور، عکسی را به رییس جمهور نشان می‌داد که در آن رییس جمهور با هم‌کارانش با یک هیأت بلندرتبه‌ی خارجی دیدار داشتند، در آن دور میز همه مقامات بلندرتبه از یک قوم بودند. رییس جمهور آن حرف معروفش را در واکنش به نشان‌دادن این عکس به زبان آورد، او گفت که مهم نماینده‌گی از منافع افغانستان است. پرسشی که بی‌پاسخ ماند، این است که آیا اقوام دیگر نمی‌توانند از منافع افغانستان در سطوح تصمیم‌گیری نماینده‌گی کنند؟

یکی دیگر از مسایلی که در پنج‌سال اخیر همواره از جانب سخنگویان حکومت به زبان می‌آمد، کار ۱۶ ساعته‌ی رییس جمهور در یک شبانه‌روز بود. سخنگویان حکومت این مشغولیت رییس جمهور را محکی برای اندازه‌ی ایثارگری او برای ملت عنوان می‌کردند.

این درحالی است که اگر یک نفر خودش را به‌کلی از خواب و خوراک هم محروم کند، مشکلات بی‌شمار این ملت حل نمی‌شود. به جای ۱۶ ساعت کار در یک شبانه‌روز، خوب است که رییس جمهور تمام ارکان حکومت را به عنوان یک بدنه‌ی واحد به کار مفید حداقل ۵ ساعت در روز وادارد.

در این روزها، معاون اول رییس جمهور نیز می‌خواهد که یک‌تنه تمام مشکلات موجود کشور را حل کند. او به تنهایی به تمام کارهای دولت رسیده‌گی می‌کند. در موثریت شماری از کارهای او شکی نیست؛ اما دولت یک ارگانسیسم است و زمانی می‌تواند فعالیت مفید داشته باشد که تمام اعضای این ارگانسیسم هم‌زمان فعال باشند.

از سوی دیگر، در شرایطی که سخن از جمهوریت در برابر امارت می‌رود، جا دارد که به جای افراد و اشخاص، روی ایجاد صلابت و استحکام نهادها کار شود. دولت

زمانی می‌تواند هیبت داشته باشد که از رییس جمهور تا وزرا و تا ریاست‌های حکومت در سطح ولایات، به چنان کارایی و جدیت و موثریت در عمل‌کرد برسند که مجموع فعالیت آن‌ها صلابت ساختاری به نام حکومت و در تعبیر عام دولت را برجسته کند.

افغانستان به تحکیم پایه‌های دولت بیش از تحکیم هیبت رییس جمهور یا معاونانش نیازمند است. توماس هابز نیز زمانی که از هیبت دولت سخن می‌گفت، منظور او تنها شاه یا رییس جمهور نبود؛ بلکه دستگاهی به نام دولت بود که با استفاده از قوه‌ی قهریه و مجموع نهادهایش شهروندان را به تبعیت از دولت و قانون وادارد.

حالا زمان آن فرا رسیده است که حکومت باید از حرکت‌های قهرمانانه‌ی افراد به سوی کارایی نهادها گذار کند. تا زمانی که مجموعه‌ی نهادهای حکومت فعال نشود، از تلاش‌های شبانه‌روزی افراد برای حل مشکلات مردم کاری ساخته نیست.

در شرایطی که نظم قانون اساسی با چالش روبه‌رو شده است و طالبان در صدد برانداختن یا تعویض این نظم اند، ایجاب می‌کند که نه تنها اختلافاتی که در حلقه‌ی کوچک قدرت است برطرف شود؛ بلکه برای بسیج نیروهای سیاسی موجود نیز کارهای بنیادین صورت گیرد. اختلافات حلقات درون حکومت، مانند موربان‌های در حال تخریب نظم دموکراتیک موجود امروز طالبان در حال تماس با شماری از گروه‌های سیاسی اپوزیسیون اند. حکومت نیز ناظر بی‌طرف این اوضاع است. شکی نیست که امروز تمام نیروهای سیاسی موجود در جامعه بدیلی برای نظم دموکراتیک موجود با تمام عیب‌ها و نواقصش نمی‌بینند، حکومت باید در شرایط کنونی به جای کارهای انفرادی و دفاع یک‌تازانه از نهادهایی که سرمایه‌ی سیاسی مردم است، به سوی اجماع داخلی برود.

تا اجماع نیروهای سیاسی در داخل افغانستان ایجاد نشود، نه اجماع جهانی چاره‌ساز است و نه اجماع منطقه‌ای که رسیدن به آن هم دشوار به نظر می‌رسد. حکومت باید از نمایش‌های یک‌نفره به سوی کارسازی مجموع نهادهای دولت، گذار کند و برای ایجاد اجماع در میان نیروهای حوزه‌ی جمهوریت تلاش کند.

اگر نمایش‌های یک‌نفره‌ی حکومت ادامه یابد، تاریخ این بار نیز به گونه‌ی یک تراژدی غم‌انگیز دیگر در افغانستان تکرار خواهد شد.



زهرا عظیمی

آفتاب صبح امروز گرم نیست. همانند او مردان زیادی با چهره‌های خسته به دیوار تکیه داده‌اند. آنان به موردی فکر می‌کنند، شاید به نان و به شکم گرسنه کودکان‌شان یا هم کرایه خانه و مریض‌هایی

که در بستر نادارای افتاده‌اند. اما چه کسی جز خودشان از این نگرانی می‌داند؟

کنار دیواری نشسته و به رفت‌وآمد موترها می‌نگرد. تنها او نه، که چشمان ده‌ها کارگر دیگر نیز به خیابان دوخته شده است. کم‌رها بسته است و نگاه‌ها خیابان را رصد می‌کند. دقایقی غوغا برپا می‌شود، سکوت سهمگین فضا به یک‌باره گی می‌شکند و همه می‌دوند. چه خبر بود؟ از میان جمع کارگران موتر شاسی‌بلندی با شیشه‌های سیاه می‌نماید و فردی شیک و خوش‌لباس زیرچشمی به کارگرانی که دور و برش هجوم آورده‌اند، نگاه می‌کند و دوباره به موبایلش مصروف می‌شود. نگاه‌های امیدوار این‌همه آدم در انتظار او بود؟ آیا او است که می‌تواند حداقل امروز امید یک خانوار باشد؟ آری، این موتر و موترهایی از این‌دست است که بامدادان چشم‌ها در انتظار و صبح تا شام دل‌های کارگران بسته‌ی آن‌ها است.

پس از دقایقی از میان جمع یکی با هیجان در حالی که عجله دارد، به سوی ابزار کارش می‌دود. امید یک روز کار با اولین شعاع آفتاب بر سینه‌ی یخ‌زده‌اش تابیده است. بلی، او موفق شد، او امشب نان خواهد داشت. باید برود. بقیه اما نه هیجان دارند و نه خوشحال‌اند. با چهره‌های خسته و سرد دوباره به همان دیوار تکیه می‌دهند و به انتظار موتوری دیگر می‌نشینند که شاید تا غروب هم از راه نرسد. صبح‌ها

عمری در انتظار؛

از بام تا شام برای لقمه‌ای نان



بر روزگار یا زهرخندی بر وضعیت اسفبار اقتصادی؟ یا شاید یاد تبلیغ انتخاباتی «دو میلیون شغل» افتاد و خنده‌اش گرفت؟ یا هم خنده‌اش، زهرخندی به هر وعده‌ای بود که به آنان داده شد و باد هوا بود؟ هر چه بود، پس از آن لیخنند، چهره‌ی حسین‌داد در هم کشیده شد و گفت ۴۳ سال دارد و از دو دهه به این سو معماری می‌کند. شاید او به این کارش افتخار کند، چون ویران نمی‌کرد، بلکه آباد می‌کند. او از کسی توقعی ندارد؛ تنها تکیه‌گاهش دستان آبله‌برداشته است و دیواری که کنار چهارراه صبح‌ها به آن تکیه می‌زند.

برای او مهم نیست هوا چه قدر سرد است، ۲۰ دقیقه رکاب زدن از خانه تا این‌جا و رصد کردن عابران و موترهایی که هم‌چون امید واهی ظاهر می‌شوند، کار دو دهه‌ی او است. از آغاز حکومت حامد کرزی بدین سو هر صبح این‌جا می‌ایستد و منتظر می‌ماند؛ منتظر کسی که سبب شود دست‌کم برای یک روز با دستان خالی به خانه برنگردد.

خلیفه حسین‌داد امروز هم خانه را به امید کار ترک کرده و کنار چهارراهی‌ای در تایم‌نی پشت به دیوار چشم‌به‌راه کسی است که شاید به این زودی‌ها رخ نماید. خنده‌های او را چه می‌توان نامید؛ لبخندی

روزهای خلیفه حسین‌داد ساعت شش با انتظار شروع می‌شود و ساعت سه بعد از ظهر با انتظار پایان می‌یابد؛ انتظاری که ثمر نمی‌دهد و او شبانگاه دست خالی به خانه برمی‌گردد. شاید این تنها دلیلی است که شب‌ها پسرک خردسالش را نمی‌بوسد و روی خوشی با اهل خانه‌اش نشان نمی‌دهد. مثل او، هزاران کارگر دیگر نیز هستند. بیشتر کسانی که این‌جا نشسته‌اند، پدران ده‌ها کودک‌کند و خانه‌های کرایه‌ی دارند. خلیفه حسین‌داد همانند رضای ۳۳ ساله، یکی از دو میلیون بی‌کار است که سال‌ها انتظار تحقق رویای صاحب کار شدن را کشیده‌اند. در واقع ۲۴ درصد مردم افغانستان در جریان روز مدام به فکر شکم گرسنه‌ی خانواده‌شان هستند.

آری، این‌جا پایتخت افغانستان است و چهارراه هم یکی از چهارراه‌های گرسنه‌گان. جایی که حسن‌داد و هم‌مسکانش نشسته‌اند، سخنی در کار نیست. همه مهر سکوت بر لب زده‌اند و کسی حرفی نمی‌زند. این‌جا همه‌ی حرف‌ها توأم با نگرانی است. غم نان و غم گرسنه‌گی فکرها را مشغول کرده است. شماری دست زیر الاشه گرفته و تعدادی سر بر زانو گذاشته‌اند و خیابان را می‌پایند. جمعی هم به نقطه‌ای از زمین چشم دوخته‌اند، تلخ‌کامی روزگار را مزه می‌کنند و به چیزی می‌اندیشند. همه در انتظار اند که شاید روزنه‌ی امیدی گشوده شود و کسی از راه برسد و آنان را سر کار ببرد. اما مگر چند تا از آن موترها روزانه بیایند و یکی را از میان بردارند؟ چه قدر کار باشد که شکم گرسنه ۲ میلیون نفر را سیر کند؟

جنبش حفاظت از پشتون‌ها چگونه می‌تواند یک تکانه‌ی دموکراتیک به جامعه‌ی پشتون افغانستان باشد؟

تابش فروغ



غیرهسته‌ای شدن پاکستان در حد یک نوستالژی جمعی پشتون‌ها باقی می‌ماند. از سوی دیگر، مطالعه‌ی مقایسه‌ای این دو عینیت ناهمگون و رابطه‌ی آن با دولت-ملت‌های پاکستان و افغانستان نشان می‌دهد که بستر اجتماعی جامعه‌ی پشتون پاکستان آرمان‌ها و ایده‌آل‌های سیاسی متفاوتی نسبت به جامعه‌ی پشتون افغانستان دارد.

این تفاوت‌ها زاده‌ی شرایط ویژه‌ای است که نقش جامعه‌ی پشتون را در متن مناسبات قدرت، فرهنگ و اجتماع پاکستان تعریف می‌کند. از این رو روایت «لر» سیاسی جنبش حفاظت از پشتون‌ها باشد، تداوم یک نوستالژی تاریخی است. من تردید دارم که هسته‌ی سیاست‌گذار جنبش حفاظت از پشتون‌ها نداند که چسبیدن به این روایت سیاست‌زده و غیرکاربردی، کمکی به اجرایی‌شدن اولویت‌های استراتژیک جنبش حفاظت از پشتون‌ها نمی‌کند. افزون بر آن، واقعیت سیاسی جامعه‌ی پشتون افغانستان ناهمخوانی ساختاری و فرهنگی با جامعه و ایده‌آل‌های جامعه‌ی پشتون پاکستان دارد. در آن سوی مرز، رهبران پشتون در برابر ستم تاریخی بر انسان پشتون، سپر شده‌اند. در این سوی مرز انسان پشتون سپر رهبران یادآورده است که در نزدیک به سه صد سال گذشته

یا تجزیه‌طلبی برزند؛ زیرا دست‌کم پس از جمهوری سردار محمد داوود تمامی رهبران و اکثریت نخبه‌گان جامعه‌ی پشتون به امید احیای «لوی افغانستان» از سرمایه‌ی ملی افغانستان و از نشانی سیاسی همه اقوام آن به داعیه‌ی پشتونستان‌خواهی که عملاً نفی جغرافیای سیاسی دولت-ملت افغانستان است، متعهد مانده‌اند.

پرداختن به تاریخ تناقض‌های حقوقی و تاریخی پشتونستان‌خواهی و پیامدهای سیاسی آن بر مناسبات کابل و اسلام‌آباد در این نوشته نمی‌گنجد. بحث من این‌جا این است که «لر» و «بر» یا همان جامعه‌ی پشتون پاکستان و جامعه‌ی پشتون افغانستان، صد و چند سال پس از تحولات عمیق تاریخی منطقه‌ی جنوب آسیا که با زوال حاکمیت بریتانیا در شبه‌قاره شروع شد و با تشکیل دولت‌های هند و پاکستان، جنگ‌های خونین میان آن‌ها و هسته‌ای شدن آن دو کشور ادامه یافت، دو عینیت اجتماعی-سیاسی تکامل یافته‌ای است که به دلیل همسو و همسان‌نبودن قابل جمع نیست. آمیزش این عینیت‌های ناهمگون و ایجاد یک کلان روایت سیاسی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که امکان تشکیل جغرافیای سیاسی جدیدی برای پشتون‌ها را در منطقه میسر بسازد، حداقل تا

رابطه‌ی ارگانیک و بومی با توده‌های پشتون ندارند و بر عکس طرح و مجری یک ستم تاریخی بر انسان افغانستان به شمول جامعه‌ی پشتون اند. در آن سوی مرز هزاران زن پشتون به برکت کار روشن‌گری و آگاهی‌دهی جنبش‌های دموکراتیک پشتون شریک بزرگ‌ترین حرکت دموکراتیک تاریخ کشورشان اند و دوشادوش مردان پشتون برای اعاده‌ی حقوق شهروندی‌شان در جمهوری پاکستان می‌رزمنند و ایستاده‌اند.

در این سوی مرز اکثریت زنان رنج‌دیده‌ی پشتون همانند سایر زنان افغانستان صاحب هویت مستقل حقوقی و نماینده‌گی از آن هویت نیستند. این‌جا مثلاً یک متفکر پشتون خودش را مستحق می‌داند که زیر نام دفاع از حق حاکمیت انحصاری پشتون‌ها بر افغانستان از نشانی زنان پشتون صدها هزار رأی تقلبی به صندوق بریزد و بی‌هیچ شرمی از آن دفاع کند. رهبران و نخبه‌گان پشتون در آن سوی مرز برای تأمین عدالت و برابری شهروندی در جمهوری پاکستان دادخواهی می‌کنند؛ در این سوی مرز اکثریت مطلق رهبران و نخبه‌گان پشتون برای تداوم نابرابری، سلطه‌ی غیردموکراتیک، حذف هویت‌های مستقل قومی و اعاده‌ی هژمونی بلاقید و شرط پشتون‌ها - چه با زور شلاق طالبانی و یا دیوان و دفتر بروکرات‌های پشتون می‌جنگند، فرصت سوزی می‌کنند و از پذیرش قواعد دموکراتیک و مدنی جهت دستیابی به مشروعیت سیاسی سر باز می‌زنند.

فهرست داشته‌ها و نداشته‌های جوامع پشتون دو سوی مرز طولانی است. پشتون‌های دموکرات و باورمند به آینده‌ی دموکراتیک منطقه‌ی ما در موقعیت بهتر از من قرار دارند تا به این تفاوت‌های اجتماعی و ناهمگونی‌های سیاسی دقیق‌تر و فراگیرتر ببینند و انرژی جمعی جامعه‌ی پشتون افغانستان را به جای هزینه‌کردن بر یک داعیه‌ی دست‌نیافتنی، صرف دستیابی به یک امر شدنی، معقول و دموکراتیک کنند. نیروهای دموکراتیک و صلح‌دوست پشتون و غیرپشتون افغانستان و سایر کشورهای منطقه باید درس‌های مهمی از کار ارزش‌مند سیاسی و فکری جنبش حفاظت از پشتون‌ها بیاموزند. رهبران و نخبه‌گان متنفذ پشتون این فرصت استثنایی را دارند که بی‌خیال از داعیه‌های ناکام، نوستالژیک و سیاست‌زده از تحولات دموکراتیک و بومی جامعه‌ی پشتون پاکستان درس بگیرند و کمک کنند تا در این مرحله‌ی حساس، نیروهای تندرو و تاریک‌اندیش بر سرنوشت انسان پشتون افغانستان حاکم نشوند و یک عقب‌گرد فکری دیگر که خواسته‌ی اصلی بازی‌گران منطقه‌ای است بر مناسبات اجتماعی افغانستان تحمیل نشود.

آیا گناه طالبان بخشیدنی است؟

ماتی



کرده‌اند. آنان افغانستان را به عظیم‌ترین رنج‌گاه منطقه تبدیل کرده‌اند، امید و آرزو را در مردم افغانستان گرفته‌اند و هزاران جوان این مملکت را با آرزوهای شان دفن خاک کرده‌اند. گروه طالبان فقط یک نیروی سیاسی مستبد نیست که دوره آنان فقط یک دیکتاتوری معمولی نامیده شود. این گروه یک سنت و سبک زنده‌گی را با شلاق تطبیق کرده است و می‌کند. طالبان امیدوار هستند که این سنت را دوباره جاری سازند و حاکم نگه‌دارند. بزرگ‌ترین فجایع ملی و بین‌المللی را تا هنوز طالبان خلق کرده‌اند. آنان بر مردم شمالی و یکاولنگ و دیگر مناطق افغانستان تجاوز کرده‌اند. آبشارها را تخریب و تاکستان‌ها را سوزانده‌اند. آنان عقاید و ایمان شخصی‌شان را با زور تحمیل می‌کنند و هنوز هم مصمم و معتقد به چنین راه و برنامه‌ای در افغانستان هستند. طالبان با آن که توافق‌نامه امضا کردند و به

کاهش خشونت‌ها متعهد شده‌اند، روزانه بر مکان‌های مزدحم ملکی حمله می‌کنند. شهروندان افغانستان در دست‌داشتن طالبان به حمله بر آموزشگاه کوثر، دانشگاه کابل، حمله بر خبرنگاران و زنان مشکوک اند؛ زیرا میان شیوه‌ی جنگ طالبان با حملاتی از این دست، تفاوتی دیده نمی‌شود. این طالبان هستند که به تمام گروه‌های تروریستی منطقه در افغانستان جای داده‌اند و برای آنان ابزار تهیه می‌کنند و راه‌های حمله را نشان می‌دهند. طالبان که عظیم‌ترین فاجعه‌ی تاریخ معاصر افغانستان را خلق کرده‌اند، آنان که امنیت انسان افغانستان، منطقه و جهان را برهم زده‌اند، طالبان که در کوهی زمین برای ذات و زنده‌گی هیچ زنده‌جانی احترام و اهمیت قابل نبودند/نیستند، به‌خاطر بزرگ‌ترین گناه و بزرگ‌ترین مصیبت تاریخ، باید همانند اودیپ خود شان را کور کنند و از این پس هیچ‌گاه در انظار عمومی حاضر نشوند. ممکن است آمریکا، پاکستان، کشورهای منطقه و حکومت افغانستان با طالبان صلح کنند؛ اما مردم افغانستان از اعماق خون و پوست و استخوان خویش همچنان علیه آنان اعتراض خواهند کرد و آنان را نخواهند بخشید. همان‌طور که صلح گلبدین حکمتیار با حکومت افغانستان برای او اعتبار و عزت نبخشید، صلح طالبان با حکومت افغانستان، برای طالبان عزت نخواهد داد. آنان نزد مردم افغانستان مقبولیت و جایگاه پیدا نخواهند کرد. طالب ممکن است که براساس مصلحت و سیاست به رسمیت شناخته شود؛ ولی هیچ قلب پاکی در افغانستان برای آنان نمی‌تپد و آنان را تأیید نمی‌کند.

در کشور «چک» را به تصویر کشیده است. هنگامی که کمونیست‌های شوروی از چک بیرون شدند، روشن‌فکران، شاعران و مردم عام چک به نقد کارنامه‌ی سیاسی کمونیست‌های داخلی پرداختند. مردم به کمونیست‌ها می‌گفتند که شما شوروی‌ها را آوردید و «چک» را صد سال به عقب رانیدید. می‌گفتند که شما استقلال را از چک گرفتید، شما باعث تیره‌روزی و تباهی مردم چک شدید و شما فرهنگ و مقدسات مردم چک را از میان برداشتید. کمونیست‌ها در جواب اعتراض و اتهام مردم کشور خویش می‌گفتند که ما از اول نفهمیدیم، ما از نخست نیت بد نداشتیم؛ ولی متأسفانه نتیجه همین شده است که شما مردم چک می‌بینید و می‌گویید. کمونیست‌ها انتظار داشتند که مردم چک آنان را درک کنند و از سر تقصیر آنان بگذرند. اما از نظر مردم چک گناه، خطا و خیانت کمونیست‌ها نسبت به کشورشان چنان بزرگ و فراموش نشدنی بود که نباید بخشیده و فراموش شود. در پاسخ به منطبق کمونیست‌ها که به قول خودشان نمی‌دانستند و نیت بد نداشتند و برای همین تقاضای بخشش داشتند، قهرمان رمان مشهور «بار هستی» قصه‌ی «اودیپ» افسانه‌ی یونانی را در قالب یک مقاله برای اتحادیه‌ی نویسندگان چک برای نشر می‌فرستد. توما (قهرمان داستان) در مقاله‌ی خویش توضیح داده بود که یکی از پیش‌گویان معبد دلفی برای لایوس، پدر اودیپ گفته بود که اگر با یوکاسته (مادر اودیپ) صاحب فرزند شود، به دست آن فرزند کشته خواهد شد. برای همین وقتی اودیپ تولد

طالبان بعد از توافق با ایالات متحده آمریکا، همچنان با مردم افغانستان در جنگ اند. این گروه بیش‌تر از قبل دست به کشتار مردم بی‌گناه می‌زند و بیش‌تر از گذشته مصمم به خون‌ریزی و خلع و حشت در افغانستان است. رفتار طالبان ثابت می‌کند که آنان به جز زبان زور، حمله و خون‌ریزی و به آتش کشیدن شهرها به چیزی دیگری اعتقاد ندارند. این گروه احتمالاً برای دوباره به قدرت رسیدن، روی همین ویژه‌گی خویش حساب می‌کند. با وصف آن که طالبان در توافق‌نامه‌ی شان با ایالات متحده آمریکا به کاهش خشونت در شهرهای بزرگ متعهد شده بودند؛ اما علی‌رغم آن توافق، بیش‌تر از قبل شهرهای بزرگ را مورد حمله قرار می‌دهند. حمله بر آموزشگاه کوثر، دانشگاه کابل، ولایت غور، شهر فیض‌آباد و لایت بدخشان و حمله بر خبرنگاران و چهره‌های مطرح، نمونه‌های پشت پا زدن به خواست مردم بی‌گناه و عدم تعهد به صلح و کاهش خشونت‌ها است. کارنامه‌ی خونین طالب ثابت می‌کند که این گروه مدنی نخواهد شد و زنده‌گی مسالمت‌آمیز اختیار نخواهد کرد. عده‌ای از سیاسیون و ناسیونالیست‌های قومی در داخل کشور به دنبال توجیه کارنامه‌ی خونین این گروه اند و انتظار دارند که این گروه را مردم افغانستان ببخشند؛ اما طالبان روح ملی و فردی تمام مردم افغانستان را عمیقاً صدمه زده و رنجانده‌اند و برای همین مردم و تاریخ، این گروه را نه می‌بخشند و نه فراموش می‌کنند. میلان کوندرا، نویسنده‌ی معروف کشور «چک» در بخشی از رمان «بار هستی» وحشت و ظلم کمونیست‌ها

جدال خروج و احتمال تغییر بازی به سود افغانستان

بایدن در پاسخ به سوالی در مورد خروج نیروهای امریکایی، حفظ توافق‌نامه‌ی صلح با طالبان و تلاش‌های نماینده‌ی صلح امریکا در امور افغانستان (زلمی خلیل‌زاد) گفته است که رییس جمهور منتخب، آجندای جامع سیاست خارجی را در جریان کارزارهای انتخاباتی طرح کرده است و با حضور در دفتر (کاخ سفید) آن‌را عملی می‌کند. هر چند هفته‌های آینده، هفته‌های سختی برای مردم و نیروهای امنیتی افغانستان خواهد بود؛ اما احتمال تغییر بازی با توجه به آن‌چه گفته شد به سود دولت و مردم افغانستان وجود دارد. دولت افغانستان به عنوان یک همکار و متحد امریکا و کشورهای عضو ناتو، دو دهه است که یک‌جا با آنان در برابر تروریسم جنگیده و از سرمایه‌های انسانی و مادی خود هزینه کرده است. نباید فراموش کرد که این جنگ، نه تنها جنگ برای بقای افغانستان؛ بلکه مبارزه برای مهار تروریسم بین‌المللی نیز خواهد بود.

احساس می‌شود که به عمل کرد طالبان در میدان جنگ توجه شود. گروه طالبان علی‌رغم تعهدات صلح با ایالات متحده مبنی بر کاهش خشونت و آغاز مذاکرات با دولت افغانستان، به حملات خود طی ماه‌های اخیر افزوده است و مذاکرات صلح با تمام تلاش‌های طرف‌های دخیل، در مراحل بسیار ابتدایی به بن‌بست خورده است. واشنگتن پست هفته‌ی پیش به قول از یک نهاد دیدبان حکومت ایالات متحده گزارش داد که حملات طالبان تا ۵۰ درصد در افغانستان افزایش یافته است و مناطقی که آسیب‌پذیری بیش‌تر دارد، در معرض خطر بیش‌تر است. با این وجود در حالی که امید برای تغییر در کاخ سفید قطعی شده است و جدال انزواطلبان و محافظه‌کاران سنتی در ایالات متحده در ابعاد مختلف از جمله ساحت سیاست خارجی و تعامل با کشورها، شتاب بیش‌تر گرفته است و همچنان ادامه خواهد یافت؛ روز گذشته سخنگوی جو

هدشار داده‌اند. مایکل فلورنی، یک مقام پیشین پنتاگون و کاندیدای احتمالی پست وزارت دفاع در اداره‌ی جو بایدن در مصاحبه با واشنگتن پست می‌گوید که «خروج عجولانه» صلح را به مخاطره می‌اندازد و نیروی‌های مبارزه با هراس‌افکنی ایالات متحده تا رسیدن به توافق همه‌شمول میان طالبان با دولت، باید در افغانستان باقی بمانند. جدال بر سر چگونگی خروج نیروهای امریکایی از افغانستان میان حامیان و مخالفان آن از چندی به این سو در اداره‌ی ترمپ آغاز شده است و تا زمان تحلیف رییس جمهور جو بایدن (۲۰ جنوری ۲۰۲۱) ادامه خواهد یافت؛ اما واقعیت‌ها آن‌گونه که نظامیان در افغانستان و ایالات متحده به درستی به آن اشاره می‌کنند، خطر بزرگ‌تری را نشان می‌دهد که در صورت خروج شتاب‌زده‌ی نیروهای ایالات متحده، دولت و مردم افغانستان و جهان با آن مواجه خواهند شد. این خطر وقتی بهتر

هفته‌ی گذشته، دونالد ترمپ، رییس جمهور ایالات متحده آمریکا در یک اقدام غیرمترقبه، مارک اسپر وزیر دفاع و جمعی از مقامات بلندرتبه‌ی ارتش امریکا را برکنار کرد. رسانه‌های امریکایی خبر داده است که این تصمیم پس از آن گرفته شد که مارک اسپر در یک «یادداشت محرم و سلسله‌مراتبی» در آغاز ماه جاری به رییس جمهور پیشنهاد کرده بود که روند خروج نیروهای امریکایی از افغانستان تا زمان برآورده شدن شرایط، متوقف شود. مارک اسپر وزیر دفاع، جنرال کنت فرانک مکینزی رییس ستاد مشترک ارتش و جنرال میلر فرمانده‌ی نیروهای ناتو در افغانستان در این یادداشت بیان داشتند که شرایط لازم برای خروج هنوز به دست نیامده است و رهبری ارتش ایالات متحده با این ارزیابی موافقت نشان داده بود. به قول آگاهان امور، یکی از دلایل برکناری مارک اسپر از سوی رییس جمهور ترمپ که دوره‌ی کاری‌اش تا دو ماه دیگر تمام می‌شود، همین یادداشت بوده است. نظامیان هرچند منتظر دستور جدید ترمپ تا هفته‌های آینده برای کاهش نیمی دیگر از نیروهای امریکایی از افغانستان و عراق هستند؛ اما مقامات پیشین و برحال در مصاحبه با روزنامه‌های معتبر امریکایی از خروج شتاب‌زده

دبیر بخش ویدیو: خبرنگاران:



صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
مدیرمسئول: مجیب مهرداد mujib_mehrdad@yahoo.com
سر‌دبیر: خلیل اسیر 8am.daily@gmail.com
دبیر گزارش‌ها: حسیب بهش
دبیر بخش خبر: علی شاه حقمیل
دبیر بخش صلح: آسیه حمزه‌ای
دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad mujib_mehrdad@yahoo.com
Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

محمدنصیر کاوشگر
عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، هما همتا، الیاس طاهری، زهرا عطایی، احمدشاه شاداب، حفیظ علی خیل، توفان عمری، شعب حکیمی، پرویز کامروز
علی نظری، اسحق‌علی احساس
رضا مرادی
Shaparsepehr@gmail.com ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰
پدیرش اعلان:
نشانی پستی:
نشانی دفتر کابل:
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.


ویراستاران:
صفحه آرایه:
پدیرش اعلان:
نشانی پستی:
نشانی دفتر کابل:
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

بانکداری انترنیتی عزیز بانک

با استفاده از بانکداری انترنیتی عزیز بانک بخش وسیعی از معاملات مالی تان را از خانه و یا محل کار تان، با خاطر آسوده و راحت، انجام دهید.

عزیز بانک افتخار دارد که ضمن خدمات بانکداری انترنیتی انفرادی، نمونه شرکتی را نیز با ویژگیهای وسیعی نایل برای مشتریان گرامی خویش پیشکش مینماید:

- انجام معاملات جمعی در حسابات بانکی عزیز بانک در یک وقت
- تایید معاملات توسط چندین صلاحیتدار حساب به شکل سلسله مراتب
- تایید معاملات گروهی توسط هر یک از صلاحیتدار حساب



نیویورک تایمز: ترمپ امکان حمله بر تاسیسات هسته‌ای ایران را مورد بررسی قرار داد

روزنامه نیویورک تایمز به نقل از چهار مقام کنونی و سابق ایالات متحده گزارش داد که دونالد ترامپ روز پنجشنبه، ۲۲ عقرب، طی نشستی در کاخ سفید از مشاوران ارشدش پرسیده که آیا امکانی برای اقدام علیه سایت‌های هسته‌ای مهم ایران در هفته‌های آتی وجود دارد یا نه.

این گزارش که شامگاه دوشنبه، ۲۶ عقرب، منتشر شده است، می‌گوید که مشاوران ارشد آقای ترمپ او را از این تصمیم منصرف کرده‌اند.

به نوشته نیویورک تایمز، همه‌ی این مشاوران از جمله مایک پنس معاون رییس جمهوری، مایک پومپو وزیر امور خارجه، کریستوفر میلر سرپرست وزارت دفاع و جنرال مارک میلی، رییس ستاد مشترک ایالات متحده هشدار دادند که حمله بر نیروهای ایران می‌تواند به ساده‌گی منجر به یک نبرد گسترده‌تر در هفته‌های پایانی ریاست جمهوری آقای ترمپ شود.

به نقل از رادیو فردا، جلسه دونالد ترامپ با مشاوران ارشدش یک روز پس از گزارش بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام شده است که اعلام کردند ذخایر یورانیوم غنی شده ایران افزایش چشم‌گیری یافته است.

نیویورک تایمز می‌نویسد که هدف هر حمله‌ای، خواه موشکی و خواه سایبری، تاسیسات هسته‌ای نطنز خواهد بود که ذخایر یورانیوم غنی شده ایران در آنجا اکنون ۱۲ برابر بیش‌تر از میزان تعیین شده در توافق هسته‌ای است. بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم‌چنین در گزارش روز چهارشنبه‌شان عنوان کرده بودند که ایران به آن‌ها اجازه نداده تا از یک سایت مشکوک که گمان می‌رود قبلاً در آن آزمایش هسته‌ای انجام شده است، بازدید کنند.

آقای ترمپ در این حال از مشاوران خود پرسیده است که او چه واکنشی به ایران می‌تواند نشان بدهد. به نوشته نیویورک تایمز، پس از آن که آقای پومپو و جنرال میلی نسبت به مخاطرات حمله بر تاسیسات هسته‌ای ایران به رییس جمهور امریکا هشدار دادند، مقام‌های حاضر در جلسه به این نتیجه رسیدند که حمله موشکی از دستور کار خارج شود، اما آقای ترمپ احتمالاً شیوه‌های حمله بر تاسیسات ایران و متحدانش و همین‌طور حمله بر شبه‌نظامیان تحت حمایت ایران در عراق را بررسی می‌کند.

شماری از مشاوران امنیتی دونالد ترامپ نیز شامگاه چهارشنبه، یک روز قبل از این نشست در کاخ سفید، با یکدیگر دیداری داشته‌اند که موضوع آن ایران بوده است. این گزارش می‌گوید که حمله بر ایران اگرچه به مذاق پایگاه اجتماعی دونالد ترامپ خوش نمی‌آید، چرا که آن‌ها مخالف درگیر شدن بیش‌تر امریکا در جنگ‌های خاورمیانه هستند، اما این اقدام به طور حتم می‌تواند روابط تهران با واشنگتن را خراب‌تر کند؛ به طوری که برای جو بایدن، رییس جمهور منتخب ایالات متحده، احیای توافق هسته‌ای با ایران سخت‌تر شود.

جو بایدن وعده داده که ایالات متحده را به توافق هسته‌ای باز می‌گرداند. بریتانیا، فرانسه و آلمان، سه متحد اروپایی امریکا، همواره مخالف اقدام دونالد ترامپ برای خروج از برجام بوده‌اند.

عربستان: اگر برنامه ایران متوقف نشود، تجهیز به سلاح هسته‌ای گزینه‌ی جدی ما است

فعالیت‌های منطقه‌ای و برنامه‌های موشکی ایران را تحت فشار قرار دهد. آقای الجبیر تصریح کرد: «تنها سیاست فشار در قبال ایران کارایی دارد». سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان سعودی، نیز هفته‌ی گذشته جهان را به اتخاذ «موضع قاطع» در برابر تلاش‌های ایران برای توسعه برنامه‌های موشکی و هسته‌ای دعوت کرد. البته در مقابل، سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت خارجه ایران، از عربستان سعودی خواست تا از بیان «تهامات بی‌اساس» خودداری کند.



به نقل از یورونیوز فارسی، عادل الجبیر، وزیر مشاور در امور خارجی پادشاهی عربستان سعودی، گفته است: «اگر برنامه هسته‌ای ایران متوقف نشود، عربستان این حق را خواهد داشت تا خود را به سلاح هسته‌ای مجهز کند». آقای الجبیر که با خبرگزاری آلمانی دی‌پی‌ای مصاحبه می‌کرد، افزود: «دستیابی به سلاح هسته‌ای قطعاً یک گزینه پیش روی ما است و در صورتی که ایران به یک قدرت هسته‌ای بدل شود، افزون بر عربستان، کشورهای دیگری نیز این الگورا دنبال خواهند کرد». او هم‌چنین تأکید کرده است که عربستان سعودی همه‌ی تلاشش را برای محافظت از مردم و سرزمینش به کار خواهد گرفت.

وزیر مشاور در امور خارجه عربستان سعودی در پاسخ به این سوال که وقتی جو بایدن، رییس جمهور منتخب امریکا قدرت را به دست بگیرد، چه تغییراتی در قبال فعالیت‌های هسته‌ای ایران رخ خواهد داد، اظهار داشت: «آقای بایدن قول بازگشت به توافق هسته‌ای با ایران را داده است، اما در عین حال گفته است که تلاش خواهد کرد



هشدار بایدن به ترمپ: عدم همکاری منجر به مرگ بیش‌تر انسان‌ها می‌شود

به نقل از دویچه‌وله فارسی، دونالد ترامپ نه تنها از پذیرش شکستش در انتخابات اجتناب می‌ورزد، بلکه حتا حاضر به همکاری با بایدن نیز نشده است. بایدن با اشاره به افزایش شمار قربانیان کرونا به ترمپ هشدار داده و گفته است که موضوع جان مردم در میان است.

عدم همکاری کاخ سفید با تیم جو بایدن، باعث افزایش نگرانی‌ها در امریکا شده است؛ نگرانی‌هایی که فقط به مسایل امنیتی امریکا محدود نمی‌شود. یکی از محورهای اصلی نگرانی‌های عمومی، مربوط به افزایش شمار قربانیان کرونا در امریکا است.

در همین رابطه، جو بایدن با اشاره به شیوع گسترده ویروس کرونا در امریکا، از دونالد ترامپ درخواست کرده است تا در عرصه مقابله با شیوع این بیماری با تیم او همکاری کند.

بایدن گفته است که در صورت عدم همکاری، ممکن است شمار بیش‌تری از مردم امریکا در اثر ابتلا به بیماری کووید-۱۹ جان بدهند.

بایدن تأکید کرده است که چنانچه تیمش ناچار شود که برای مقابله با کرونا تا ۲۰ جنوری و انتقال رسمی قدرت به دولت جدید صبر کند، فرصتی مهم در مقابله با این ویروس از دست خواهد رفت. او گفته است: «به این ترتیب، یک ماه تا یک ماه و نیم زمان از دست می‌رود».

بایدن از ترمپ خواسته است که «فوری» و «در اسرع وقت» زمینه همکاری با تیم او را فراهم سازد. او تأکید کرده است که برای توزیع واکسین کرونا نیز باید طرح و برنامه‌ی دقیق تنظیم شود و چنین امری باید بدون فوت وقت صورت گیرد.

از سوی دیگر، باراک اوباما نیز در مصاحبه با فرستنده «سی‌بی‌اس» امریکا از ترمپ درخواست کرده است که شکست خود را در انتخابات سوم نوامبر بپذیرد.

اوباما گفته است: «آنگاه که دوره زمامداری شما به پایان می‌رسد، این وظیفه شما است که منافع و مصالح کشور را بر شخص و منافع خود ارجح شمرد و فراتر از دل‌سردی خود بیندیشید و عمل کنید».

بایدن افزود که شمار موارد ثبت شده ابتلا به کرونا در امریکا از مرز ۱۱ میلیون نفر گذشته است. تا کنون بیش از ۲۴۶ هزار نفر در اثر ابتلا به این ویروس جان داده‌اند. از منظر شمار قربانیان کرونا، امریکا در قیاس با دیگر کشورها، بیش‌ترین رقم فوتی کرونایی را در کارنامه‌ی خود دارد.

آن‌گونه که یاری می‌کنی یاری می‌شوی

بنیاد رحمانی
رحمانی بنسبت

مرکز معلومات مهاجرت (MRC) چیست؟

مرکز معلومات مهاجرت (MRC) به مردم کمک می‌کند تا زمانی که قصد مهاجرت دارند، تصمیم آگاهانه بگیرند. تیمی از مشاوران، سطح آگاهی مردم را در مورد مزایای مهاجرت امن و منظم و نیز خطرات و عواقب مهاجرت‌های غیرمنظم افزایش می‌دهد؛ اگر فامیل و دوستان تان تصمیم به مهاجرت دارند، قبل از این که تصمیم نهایی را بگیرند، می‌توانند با تیم مرکز معلومات مهاجرت جهت مشوره‌دهی رایگان به‌منظور معلومات دقیق مهاجرت به تماس شوند. مرکز معلومات مهاجرت یک مرکز ملی و بی‌طرف است و فقط خدمات معلوماتی ارائه می‌دهد. تمام خدمات ذکر شده رایگان می‌باشد.

شما می‌توانید برای معلومات بیش‌تر از طریق شماره‌ی رایگان ۵۵۸۸، واتس‌آپ، وایبر، اسکایپ، فیس‌بوک مسنجر و ایمیل از ساعت ۸ صبح الی ۴ بعد از ظهر شنبه الی چهارشنبه با ما تماس بگیرید. آدرس: واصل آباد، عقب فابریکه جنگلک گذشته از باغ بابر، ناحیه ۷ کابل افغانستان. شماره‌ی رایگان: ۵۵۸۸. شماره‌ی واتس‌آپ و وایبر: ۰۷۹۹۵۹۹۸۹۸. Skype: mrcafgghanistan. Facebook: https://www.facebook.com/mrcafgghanistan/. Email: info@mrcafgghanistan.af. Website: www.mrcafgghanistan.af

#آریانا_از_شماست

آریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

کابل - دهلی - کابل هفته سه پرواز

شنبه دو شنبه پنج شنبه

KABUL - DELHI
DEP: 10:00 AM Local Time
ARR: 01:00 PM Local Time

DELHI - KABUL
DEP: 02:30 PM Local Time
ARR: 03:30 PM Local Time

+93 (0) 790 07 1333 | flyariana.com | 1333

Delhi Flights